

مجمع تخصصی مصلحت نظام



نشست اول

سلسله نشست‌های
مرتبط با موضوع ازدواج



تغییرات ازدواج روندها، عوامل و پیامدها

موسسه تحقیقات جمعیت کشور
با همکاری کمیته زنان و خانواده مجمع تشخیص مصلحت نظام



سلسله نشست های مرتبط با موضوع ازدواج «تغییرات ازدواج، روندها، عوامل و پیامدها»

مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور
با همکاری کمیته زنان و خانواده مجمع تشخیص مصلحت نظام

نشست اول با حضور:



دکتر سید محسن
بنی جمال



دکتر فاطمه ترابی



دکتر الهام فتحی



دکتر زهرا شمس
قهفرخی



دکتر فاطمه مدیری

تهیه و تنظیم: زهرا کریمی
ویراستار: زهرا کریمی
صفحه آرایی: لیلی اسکندرپور

گزارش تفصیلی نشست اول / صفحه ۵

دکتر الهام فتحی
بدون نظام داده‌ای منسجم، سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه ازدواج و
خانواده امکان‌پذیر نیست / صفحه ۶

دکتر فاطمه ترابی
کاهش ازدواج و افزایش سن تشکیل خانواده از عوامل کلیدی کاهش
باروری در ایران است / صفحه ۱۵

دکتر سیدمحسن بنی‌جمالی
ازدواج هنوز مهم‌ترین دغدغه جوانان است؛ «تله گذار به بزرگسالی»
سن ازدواج را به تعویق انداخته است / صفحه ۲۹

دکتر فاطمه مدیری
افزایش سن ازدواج و تغییر نگرش‌ها، خانواده ایرانی را با چالش‌های
تازه‌ای روبه‌رو کرده است / صفحه ۳۸

دکتر زهرا شمس قهفرخی
تاخیر در ازدواج در اصفهان؛ پدیده‌ای چندوجهی در سایه تردید،
ناکامی و امتناع آگاهانه / صفحه ۵۰

گزارش تفصیلی نشست اول

روابط عمومی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور: کاهش آمارهای تشکیل خانواده، افزایش چشمگیر سن اولین ازدواج، دگرگونی در ساختارهای باروری و تغییر الگوی زیست جوانان در دوران گذار به بزرگسالی، همگی نشانه‌هایی از تحولی عمیق در زیست اجتماعی و جمعیتی ایرانیان است؛ تحولی که نمی‌توان آن را صرفاً با شاخص‌های تک‌بعدی یا کوتاه‌مدت توضیح داد. در سال‌های اخیر، بررسی نظام داده‌ها و آمارهای ثبتی، تحلیل تفاوت‌های منطقه‌ای و استانی، واکاوی زمینه‌های فرهنگی و ساختاری تأخیر در ازدواج و پیامدهای مستقیم آن بر پویایی جمعیت کشور، بیش از گذشته در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ موضوعی که ضرورت گفت‌وگوی علمی و بازانديشی در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی و خانواده‌محور را دوجندان کرده است.

در همین زمینه، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور در راستای مسئولیت علمی، تحقیقاتی و اجتماعی خود، سلسله نشست‌های علمی-تخصصی مرتبط با موضوع ازدواج را با همکاری دیگر نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع برگزار کرده است. این سلسله نشست‌ها با هدف بررسی ابعاد مختلف ازدواج در ایران و ارائه راهکارهای مبتنی بر شواهد برای سیاست‌گذاری در این حوزه طراحی شده است. نشست اول از این مجموعه با عنوان «تغییرات ازدواج، روندها، عوامل و پیامدها» روز سه‌شنبه ۶ آبان‌ماه ۱۴۰۴ با همکاری کمیته زنان و خانواده مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد.

در این نشست که با حضور و سخنرانی دکتر سیدمحسن بنی‌جمالی، رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان؛ دکتر الهام فتحی، رئیس گروه آمارهای جمعیت مرکز آمار ایران؛ دکتر فاطمه ترابی، معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور و استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران؛ دکتر زهرا مدیری، دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور و دکتر زهرا شمس قهفرخی، دکترای جمعیت‌شناسی و پژوهشگر حوزه ازدواج و خانواده همراه بود، جنبه‌های آماری، اجتماعی، فرهنگی و سیاستی موضوع ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. آنچه در ادامه می‌آید، گزارش تفصیلی اولین نشست از سلسله نشست‌های مرتبط با موضوع ازدواج با عنوان «تغییرات ازدواج، روندها، عوامل و پیامدها» در تاریخ ۶ آبان‌ماه ۱۴۰۴ است.



دکتر الهام فتحی

بدون نظام داده‌ای منسجم، سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه ازدواج و خانواده امکان‌پذیر نیست

رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران با تأکید بر نقش داده‌های رسمی در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، گفت نظام آماری کشور ظرفیت بالایی برای تولید اطلاعات دقیق در حوزه ازدواج و خانواده دارد، اما تحقق این ظرفیت نیازمند تقویت هماهنگی میان دستگاه‌ها، توسعه ثبت‌های آماری و حرکت به سمت سرشماری ثبتی مبنا است.

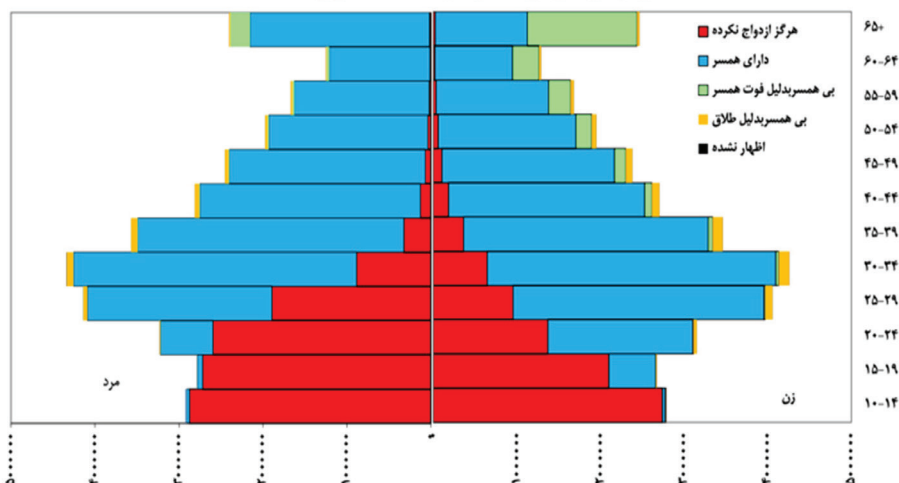
دکتر فتحی در ابتدای این نشست با بیان اینکه ازدواج همواره به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در تحولات خانواده مطرح بوده است افزود: این موضوع از منظر رشته‌های مختلفی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی مطالعات دینی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در جمعیت‌شناسی، اهمیت ازدواج بیش از هر چیز به تأثیری بازمی‌گردد که بر فرزندآوری و تغییرات ساختار جمعیت دارد. از همین رو، آمارها و داده‌های مربوط به ازدواج اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. در سیاست‌های کلان جمعیتی کشور نیز همواره بر تحکیم خانواده و حمایت از آن تأکید شده است. نمونه‌های این رویکرد را می‌توان در سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۹۳ و همچنین قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مشاهده کرد.

◀ آمارهای رسمی ازدواج، مبنای اصلی سیاست‌گذاری در حوزه جمعیت و خانواده هستند

دکتر فتحی با تأکید بر نقش آمارهای رسمی در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور گفت: داده‌های ازدواج برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اهمیت اساسی دارند. هر جا که قرار است سیاست‌گذاری یا برنامه‌ریزی صورت گیرد، ابتدا باید تصویری روشن از وضعیت موجود ارائه شود و این تصویر باید بر پایه داده‌ها و آمارهای رسمی و مورد تأیید شکل بگیرد. علاوه بر این، لازم است این داده‌ها در طول زمان به صورت مستمر در دسترس باشند تا بتوان روندها را رصد کرد و میزان موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌های اتخاذ شده را سنجید.

وی ادامه داد: مرکز آمار ایران از نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ تا آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، متناسب با ظرفیت‌های موجود، داده‌های مرتبط با ازدواج و طلاق را تولید کرده است. افزون بر آن، بسیاری از طرح‌های آماری خانوار که در سطح ملی اجرا می‌شوند نیز اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت ازدواج و خانواده در اختیار ما قرار می‌دهند.

الگوی وضع زناشویی کل کشور، ۱۳۹۵



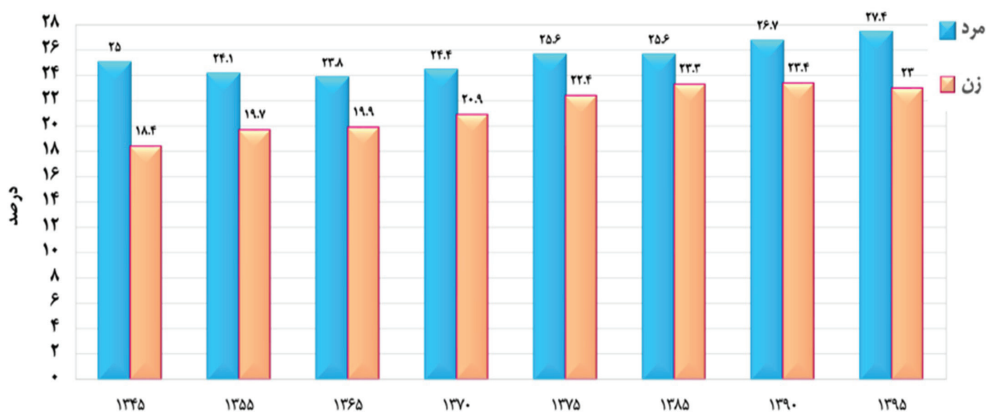
منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

دکتر فتحی اظهار کرد: در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، همانند سایر سرشماری‌ها تنها یک سؤال درباره وضعیت زناشویی افراد مطرح شد. این سؤال به صورت خوداظهاری پاسخ داده می‌شود و چهار وضعیت شامل هرگز ازدواج نکرده، دارای همسر، بی‌همسر بر اثر فوت همسر و بی‌همسر بر اثر طلاق را دربر می‌گیرد. همین یک سؤال، با وجود محدودیت‌هایی که دارد، می‌تواند تصویری کلی از وضعیت زناشویی کشور ارائه دهد. در هرم جمعیتی حاصل از این اطلاعات مشاهده می‌کنیم که در سنین پایین، به دلیل حضور افراد در دوره تحصیل و پایین بودن سن، گروه «هرگز ازدواج نکرده» بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. با افزایش سن، سهم این گروه کاهش یافته و در مقابل سهم افراد دارای همسر افزایش پیدا می‌کند.

◀ سن اولین ازدواج در ایران طی دهه‌های اخیر روندی افزایشی داشته است

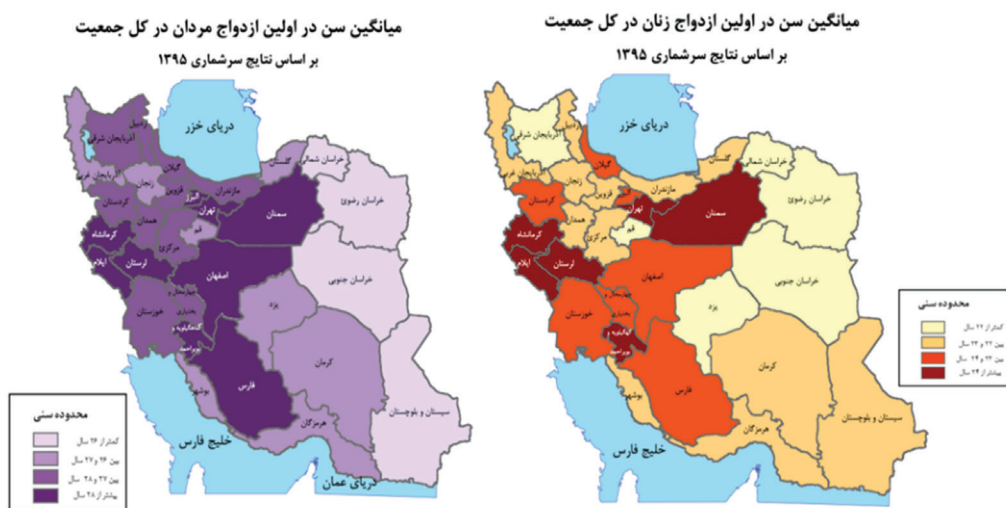
وی تصریح کرد: الگوی ازدواج میان زنان و مردان یکسان نیست. در مردان، ورود به زندگی زناشویی با تأخیر بیشتری نسبت به زنان اتفاق می‌افتد و این تفاوت در بسیاری از گروه‌های سنی ادامه پیدا می‌کند. همچنین سهم زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق در سنین میانسالی و سالمندی به مراتب بیشتر از مردان است.

میانگین سن در اولین ازدواج، کل کشور، ۹۵-۱۳۴۵



منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

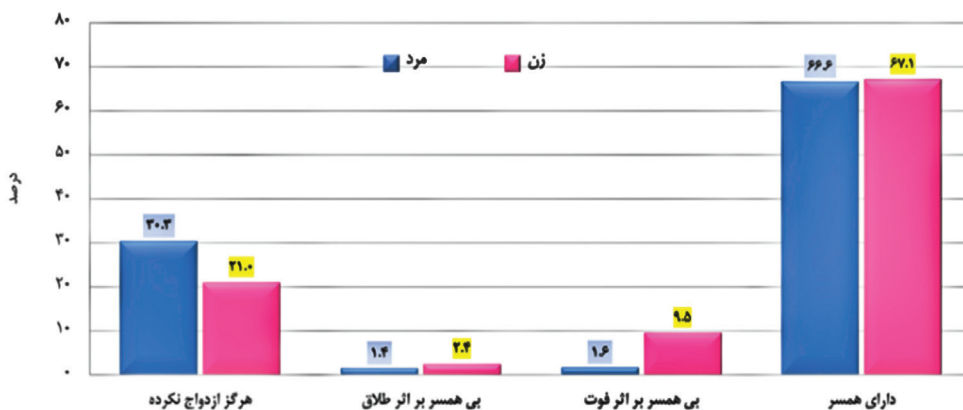
رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران با اشاره به روند تغییرات سن ازدواج گفت: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حوزه ازدواج، میانگین سن در اولین ازدواج است. بررسی این شاخص از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در مجموع برای هر دو جنس روند افزایشی وجود داشته است. میانگین سن اولین ازدواج در مردان از حدود ۲۵ سال به ۲۷.۴ سال رسیده است. در زنان نیز این شاخص از ۱۸.۴ سال به حدود ۲۳ سال افزایش یافته است. بنابراین افزایش سن ازدواج در زنان نسبت به مردان شدت بیشتری داشته است. بررسی استانی این شاخص نیز نشان می‌دهد که الگوهای ازدواج در مناطق مختلف کشور یکسان نیست. در میان مردان، استان‌های شرقی کشور میانگین سن ازدواج پایین‌تری دارند، در حالی که استان‌های مرکزی و غربی از میانگین‌های ازدواج بالاتری برخوردارند. در زنان نیز پراکندگی متفاوتی مشاهده می‌شود.



دکتر فتحی در ادامه با اشاره به نتایج طرح آمارگیری نیروی کار اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی که مرکز آمار ایران به صورت مستمر اجرا می‌کند، طرح آمارگیری نیروی کار است که به شکل فصلی انجام می‌شود و نتایج سالانه آن نیز منتشر می‌شود. بخشی از اطلاعاتی که امروز ارائه می‌شود، مبتنی بر همین داده‌هاست. بررسی وضعیت زناشویی جمعیت کشور در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که ۶۷.۱ درصد زنان و ۶۶.۱ درصد مردان دارای همسر هستند. همچنین همان‌گونه که در نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز مشاهده شد، سهم

زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر چندین برابر مردان است. در مورد طلاق نیز سهم زنان بی‌همسر بر اثر طلاق بیش از مردان مشاهده می‌شود. رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران ادامه داد: در مقابل، سهم افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند در میان مردان بیشتر از زنان است. البته این آمارها کلی هستند و زمانی که ساختار سنی را بررسی می‌کنیم، الگوهای متفاوتی مشاهده می‌شود. دکتر فتحی با اشاره به توزیع سنی افراد هرگز ازدواج نکرده گفت: اگر سهم جمعیت هرگز ازدواج نکرده را بر حسب سن و جنس در سال ۱۴۰۳ بررسی کنیم، مشاهده می‌شود که در میان زنان، تا سن ۲۵ سالگی حدود نیمی از افراد از وضعیت هرگز ازدواج نکرده خارج شده و وارد زندگی زناشویی می‌شوند. در مردان این روند با حدود پنج سال تأخیر رخ می‌دهد؛ به طوری که در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، سهم افراد هرگز ازدواج نکرده به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. پس از آن روند کاهش نسبت‌های مجرد ادامه پیدا می‌کند و در حدود سنین ۴۰ تا ۴۴ سالگی، الگوی زنان و مردان به یکدیگر نزدیک می‌شود. با این حال حتی در سنین بالاتر نیز حدود ۱۰ درصد جمعیت همچنان در وضعیت هرگز ازدواج نکرده باقی می‌مانند. در مردان این روند با شیب ملایم‌تری کاهش پیدا می‌کند، اما در زنان سهم افراد هرگز ازدواج نکرده در سنین بالاتر نسبت به مردان بیشتر می‌شود.

وضع زناشویی جمعیت کل کشور، به تفکیک جنس، ۱۴۰۳



منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح نیروی کار، ۱۴۰۳

◀ کاهش تعداد ازدواج‌ها باید در کنار شاخص‌های جمعیتی تحلیل شود

دکتر فتحی با انتقاد از برخی برداشت‌های نادرست در تحلیل آمارهای ازدواج اظهار کرد: یکی از موضوعاتی که همواره در جلسات سیاست‌گذاری مشاهده می‌شود، تأکید بیش از اندازه بر تعداد مطلق ازدواج‌هاست. در بسیاری از موارد، افراد غیرمتخصص صرفاً به تعداد ازدواج‌ها توجه می‌کنند، در حالی که تحلیل صحیح مستلزم توجه به شاخص‌ها و ساختار جمعیتی است. به همین دلیل تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده را باید در کنار جمعیت در معرض ازدواج نشان داد.

رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران ادامه داد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ تعداد ازدواج‌ها روندی کاهشی داشته است؛ اما در همین دوره، جمعیت در معرض ازدواج نیز کاهش یافته است. بنابراین سیاست‌گذار باید این نکته را در نظر بگیرد و صرفاً کاهش تعداد ازدواج‌ها را ملاک تحلیل قرار ندهد. البته بلافاصله بعد از سال ۱۴۰۰ به بعد افزایش محدودی در تعداد ازدواج‌ها مشاهده شده است که درباره علل آن دیدگاه‌های مختلفی مطرح می‌شود. برخی این تغییر را به پیامدهای دوران کرونا نسبت می‌دهند و برخی دیگر نقش سیاست‌های حمایتی دولت را مطرح می‌کنند. تحلیل دقیق این موضوع نیازمند بررسی‌های تخصصی بیشتر است.

◀ توسعه نظام داده‌های جمعیتی نیازمند تقویت همکاری میان دستگاه‌های مختلف است

دکتر فتحی با اشاره به سیاست‌های کلی جمعیت گفت: همان‌طور که همه‌آشنایی دارند، سیاست‌های کلی جمعیت مشتمل بر ۱۴ بند است که در بند دوم آن به موضوع ازدواج توجه ویژه‌ای شده است. این سیاست‌ها یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی کشور در حوزه جمعیت محسوب می‌شوند. مرکز آمار ایران در پایش این سیاست‌ها چند وظیفه اساسی بر عهده دارد. نخست، تولید آمارهای رسمی جمعیتی کشور است. مهم‌ترین ابزار در این زمینه نیز اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن است. از دیگر وظایف مرکز آمار، هماهنگی و نظارت بر تولید آمارهای جمعیتی در دستگاه‌های مختلف، ارائه برآوردها و پیش‌بینی‌های جمعیتی برای سال‌های بین دوسرشماری و همچنین بررسی چالش‌های موجود در تولید آمارهای رسمی جمعیتی است.

رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران اظهار کرد: مرکز آمار ایران در قالب یک طرح پژوهشی، تمامی بندهای سیاست‌های کلی جمعیت را بررسی و برای هر بند مجموعه‌ای

از شاخص‌های قابل سنجش تعریف کرد. همچنین منابع تولید داده برای هر شاخص نیز مشخص شد. در این بررسی‌ها مشخص شد که بخشی از اطلاعات مورد نیاز از طریق سرشماری‌ها، بخشی از طریق داده‌های ثبت احوال و بخشی از طریق طرح‌های آماری خانوار قابل تأمین است. در عین حال، برخی شاخص‌ها نیز وجود داشتند که برای تولید آن‌ها نیاز به طراحی طرح‌های آماری جدید یا توسعه نظام‌های اطلاعاتی کشور احساس می‌شد. در کمیته آمار بخشی جمعیت که متشکل از متخصصان جمعیت‌شناسی و کارشناسان دستگاه‌های مختلف است نیز مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی ازدواج برای استفاده در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تعیین شد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شاخص‌های مرتبط با ازدواج، طلاق و پایداری خانواده اشاره کرد. از طریق سرشماری‌ها، بخشی از طریق داده‌های ثبت احوال و بخشی از طریق طرح‌های آماری خانوار قابل تأمین است. در عین حال، برخی شاخص‌ها نیز وجود داشتند که برای تولید آن‌ها نیاز به طراحی طرح‌های آماری جدید یا توسعه نظام‌های اطلاعاتی کشور احساس می‌شد.

وی ادامه داد: در کمیته آمار بخشی جمعیت که متشکل از متخصصان جمعیت‌شناسی و کارشناسان دستگاه‌های مختلف است نیز مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی ازدواج برای استفاده در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تعیین شد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شاخص‌های مرتبط با ازدواج، طلاق و پایداری خانواده اشاره کرد.

دکتر فتحی در ادامه با تشریح ساختار تولید داده‌های مرتبط با ازدواج در کشور اظهار کرد: در نظام داده‌های ازدواج در ایران، منابع مختلفی برای تولید اطلاعات وجود دارد. بخشی از این داده‌ها از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و دفاتر رسمی ازدواج و طلاق تولید می‌شود. بخشی دیگر در قالب ثبت وقایع حیاتی توسط سازمان ثبت احوال کشور ثبت و نگهداری می‌شود. همچنین داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و طرح‌های آماری خانوار نیز توسط مرکز آمار ایران تولید می‌شوند. علاوه بر این، برخی پیمایش‌های اجتماعی و طرح‌های پژوهشی که توسط دستگاه‌های مختلف اجرا می‌شوند نیز می‌توانند اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت ازدواج و خانواده در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهند.

رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران با اشاره به ظرفیت‌های موجود در کشور گفت: در سال‌های اخیر ظرفیت‌های ارزشمندی برای توسعه نظام آماری کشور ایجاد شده است. تخصیص کد ملی به افراد و کد پستی به واحدهای مکانی از جمله این زیرساخت‌ها هستند. همچنین همکاری‌هایی میان برخی دستگاه‌ها شکل گرفته است و این ظرفیت

وجود دارد که این همکاری‌ها تقویت شود تا داده‌های اداری به تدریج به ثبت‌های آماری تبدیل شوند. در صورت تحقق این هدف، می‌توان از طریق ادغام و ترکیب ثبت‌های آماری مختلف، به سمت اجرای سرشماری‌های ثبتی مبنا حرکت کرد.

وی با اشاره به چالش‌های نظام داده‌ای کشور اظهار کرد: در کنار ظرفیت‌های موجود، همچنان با خلأها و کمبودهایی نیز مواجه هستیم. یکی از مهم‌ترین مشکلات این است که داده‌های حاصل از سرشماری‌ها در فواصل زمانی طولانی تولید می‌شوند و به همین دلیل پاسخگوی همه نیازهای روز سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نیستند. چنانچه بتوانیم سرشماری‌های ثبتی مبنا را به‌طور کامل اجرا کنیم، امکان تولید اطلاعات در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر فراهم خواهد شد و بسیاری از این محدودیت‌ها برطرف می‌شود. در غیر این صورت، تأخیر در دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر فرآیند سیاست‌گذاری و ارزیابی اثربخشی برنامه‌های حمایتی در حوزه ازدواج و خانواده تأثیر منفی بگذارد.

◀ سرشماری ثبتی مبنا مسیر آینده تولید آمارهای ازدواج و جمعیت در کشور خواهد بود

رئیس گروه آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران با اشاره به تجربه کشور ترکیه گفت: ترکیه یکی از کشورهایی است که توانسته از سرشماری‌های سنتی و پرهزینه به سمت سرشماری ثبتی مبنا حرکت کند. این کشور پس از طی یک فرآیند تدریجی، نخستین سرشماری ثبتی مبنای خود را در سال ۲۰۱۱ اجرا کرد. در آن مقطع حدود ۲۰ درصد از اطلاعات مورد نیاز سرشماری از طریق داده‌های ثبتی تأمین می‌شد، اما این سهم در سرشماری سال ۲۰۲۲ به حدود ۵۰ درصد افزایش یافت.

وی ادامه داد: البته دستیابی به این نقطه مستلزم طی کردن فرآیندهای فنی و اجرایی متعددی بود. ترکیه دو پایگاه داده اصلی در اختیار دارد؛ یکی پایگاه اطلاعات هویتی افراد و دیگری پایگاه اطلاعات مبتنی بر نشانی و محل سکونت. این دوسامانه به صورت مستمر با یکدیگر در ارتباط هستند و اطلاعات مورد نیاز را تولید می‌کنند. نتیجه این فرایند آن بوده که ترکیه امروز می‌تواند اطلاعات مرتبط با ازدواج، طلاق و سایر شاخص‌های جمعیتی را به صورت سالانه و با سرعت بیشتری در اختیار کاربران قرار دهد.

وی درباره برنامه‌های آینده مرکز آمار ایران اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید در کشور انجام شود، تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، به‌ویژه میان مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال کشور است. واقعیت این است که در بسیاری از جلسات و

تعاملات بین‌دستگاهی، موضوع هماهنگی و تبادل اطلاعات مطرح می‌شود و لازم است این همکاری‌ها بیش از گذشته تقویت شود.

دکتر فتحی ادامه داد: در کوتاه‌مدت، امکان به‌روزرسانی و توسعه شاخص‌های آماری وجود دارد؛ اما برنامه میان‌مدت مرکز آمار ایران اجرای سرشماری ثبتی مبنا در سال ۱۴۰۵ است. البته به احتمال زیاد سرشماری ۱۴۰۵ به صورت ترکیبی اجرا خواهد شد؛ یعنی بخشی از اطلاعات از طریق داده‌های ثبتی و بخشی دیگر از طریق روش‌های سنتی جمع‌آوری خواهد شد.

رئیس گروه‌آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران در بخش پایانی سخنان خود گفت: چشم‌انداز بلندمدت مرکز آمار ایران این است که با تکمیل سامانه‌های اطلاعاتی دستگاه‌های مختلف، ارتقای کیفیت داده‌ها و استانداردسازی ثبت‌های اداری، بتوان به سمت اجرای کامل سرشماری ثبتی مبنا حرکت کرد. در چنین شرایطی امکان تولید نتایج سرشماری در فواصل زمانی کوتاه‌تر و حتی در شرایط ایده‌آل به صورت سالانه فراهم خواهد شد.

وی در جمع‌بندی سخنان خود اظهار کرد: داده‌های مرتبط با ازدواج و طلاق یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری جمعیتی هستند و باید از سطح ملی تا سطوح اجرایی در اختیار تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان قرار گیرند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که کشور از ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه نظام داده‌ای در حوزه جمعیت و خانواده برخوردار است؛ اما لازمه بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها، تقویت همکاری و هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف است. وی در پایان تأکید کرد: حتی در صورت اجرای کامل سرشماری ثبتی مبنا نیز همچنان به اجرای طرح‌های آماری و پژوهشی نیاز خواهیم داشت. از این رو، توسعه نظام داده‌ای کشور باید به صورت هم‌زمان در هر دو حوزه ثبت‌های آماری و پژوهش‌های تخصصی دنبال شود.



دکتر فاطمه ترابی

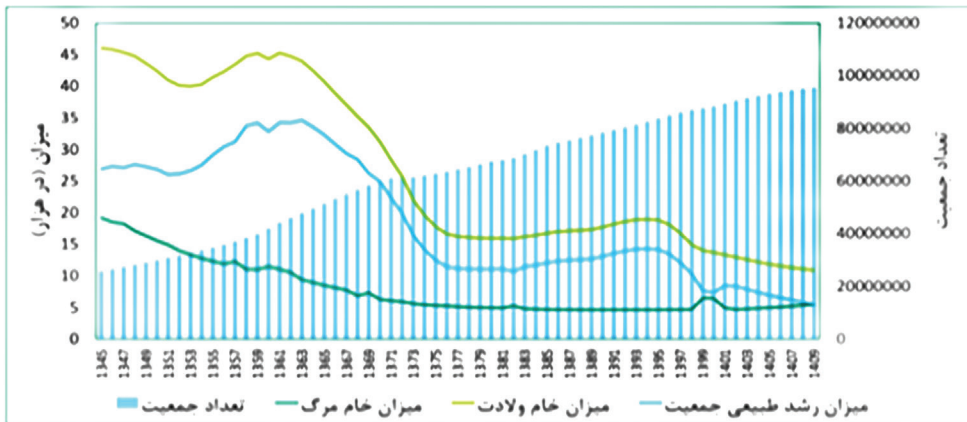
کاهش ازدواج و افزایش سن تشکیل خانواده از عوامل کلیدی کاهش باروری در ایران است

معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور و استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران با اشاره به روندهای جمعیتی دهه‌های اخیر اعلام کرد که افزایش سن ازدواج و تأخیر در فرزندآوری از مهم‌ترین عوامل کاهش باروری در کشور به شمار می‌روند. وی با استناد به داده‌های ملی و استانی تأکید کرد که افزایش میزان تأهل و تسهیل تشکیل خانواده، به‌ویژه در استان‌های دارای باروری پایین‌تر، می‌تواند ظرفیت قابل توجهی برای بهبود شاخص‌های باروری ایجاد کند.

◀ ازدواج از یک مسئله خانوادگی به یک دغدغه راهبردی جمعیتی تبدیل شده است

دکتر ترابی با تأکید بر اهمیت موضوع ازدواج در جامعه ایرانی گفت: ازدواج علاوه بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی، از منظر جمعیتی نیز جایگاهی بسیار مهم دارد و به همین دلیل پژوهش درباره آن به خودی خود از اهمیت بالایی برخوردار است. وی اظهار داشت: کشور طی دهه‌های گذشته یک گذار جمعیتی را تجربه کرده است؛ گذاری که در آن شاخص‌های باروری از اواخر دهه ۱۳۶۰ کاهش سریعی را نشان می‌دهند. همزمان با کاهش باروری، میزان مرگ‌ومیر نیز کاهش یافته و همین مسئله موجب شده است رشد طبیعی جمعیت کشور روندی نزولی پیدا کند.

گذار جمعیتی در ایران



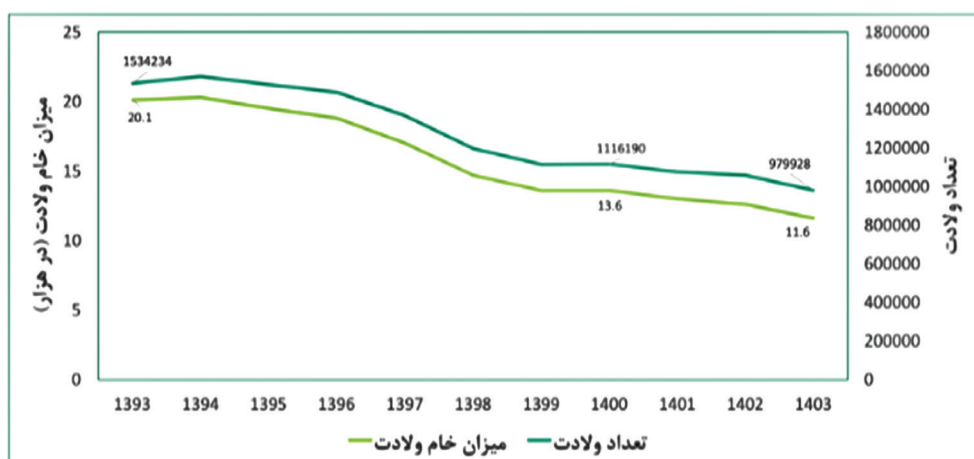
منبع: UN Population Division, World Population Prospects 2024

وی افزود: اگرچه جمعیت ایران همچنان در حال افزایش است، اما بر اساس روندهای موجود پیش‌بینی می‌شود که کشور در دهه‌های آینده علاوه بر مواجهه با سالمندی جمعیت، با تداوم کاهش رشد جمعیت نیز روبرو باشد. از همین رو موضوع جمعیت به یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌گذاران تبدیل شده است. معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به اسناد بالادستی حوزه جمعیت و خانواده‌خاطر نشان کرد: در یک دهه گذشته موضوع ازدواج به شکل پررنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور مورد توجه قرار گرفته است. سیاست‌های کلی جمعیت، سیاست‌های کلی خانواده، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و همچنین برنامه هفتم توسعه، همگی به نوعی به موضوع ازدواج پرداخته‌اند. اگر سهم موضوع ازدواج در این اسناد بررسی شود، در سیاست‌های کلی جمعیت ۸ درصد یعنی یک بند از ۱۴ بند، در سیاست‌های کلی خانواده حدود ۲۰ درصد مفاد و در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و همچنین برنامه هفتم توسعه نیز مواد مشخصی به این موضوع اختصاص یافته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد ازدواج در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

◀ ازدواج از یک مسئله خانوادگی به یک دغدغه راهبردی جمعیتی تبدیل شده است

وی سپس با اشاره به روندهای آماری مربوط به ولادت گفت: برای تحلیل تحولات اخیر، سال ۱۳۹۳ به عنوان زمان ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت و سال ۱۴۰۰ به عنوان زمان تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مبنا قرار گرفته است. بررسی تعداد ولادت‌ها و میزان خام ولادت در این دوره نشان می‌دهد که علی‌رغم اجرای سیاست‌های مختلف، روند کاهشی ولادت همچنان ادامه داشته است.

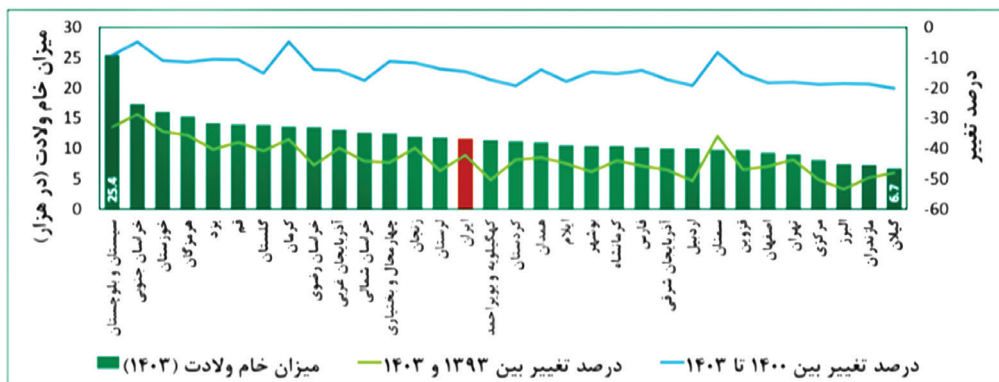
روند تغییر شاخص‌های باروری در کشور در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳



منبع: درگاه آمارهای ملی سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۲)

دکترترابی با اشاره به تفاوت‌های استانی در میزان خام ولادت اظهار داشت: سیستان و بلوچستان با فاصله قابل توجهی بالاترین میزان خام ولادت را در کشور دارد، در حالی که استان‌های گیلان، مازندران و البرز در پایین‌ترین سطوح قرار گرفته‌اند. با این حال نکته مهم آن است که درصد تغییرات میزان خام ولادت در تمامی استان‌ها منفی بوده و همه استان‌های کشور در این دوره کاهش ولادت را تجربه کرده‌اند. هشداردهنده‌تر آنکه استان‌هایی که پیش از این نیز از سطح ولادت پایین‌تری برخوردار بوده‌اند، کاهش بیشتری را تجربه کرده‌اند و این مسئله می‌تواند زنگ خطری برای آینده جمعیتی کشور باشد.

تفاوت‌های استانی در میزان خام ولادت و تغییرات بلندمدت و کوتاه‌مدت آن



روند کاهشی (بلندمدت و کوتاه مدت) شدیدتر در استان‌های دارای میزان باروری پایین‌تر

منبع: پردازش بر اساس اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۴)

◀ کاهش همزمان ازدواج و ولادت، زنگ هشدار تازه‌ای برای آینده جمعیت ایران است

دکتر ترابی در ادامه با اشاره به مدل عوامل بلا فصل باروری توضیح داد: در جمعیت‌شناسی، نسبت افراد ازدواج کرده یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده باروری محسوب می‌شود. از این منظر، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از طریق متغیرهایی مانند ازدواج بر باروری اثر می‌گذارند و به همین دلیل بررسی روندهای ازدواج برای تحلیل تحولات باروری اهمیت زیادی دارد.

وی با استناد به داده‌های موجود گفت: میزان خام ازدواج در کشور از ۹.۹ در هزار در سال ۱۳۹۳ به حدود ۶ در هزار در سال ۱۴۰۳ رسیده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده کاهش حدود ۴۰ درصدی این شاخص طی یک دهه اخیر است. در مقابل، میزان خام طلاق بخش عمده روند افزایشی خود را پیش از سال ۱۳۹۳ طی کرده و در سال‌های اخیر تغییرات کمتری داشته است.

دکتر ترابی در ادامه سخنان خود با اشاره به تفاوت‌های استانی در میزان خام ازدواج اظهار کرد: همانند سایر شاخص‌های جمعیتی، در این حوزه نیز اختلافات قابل توجهی میان استان‌های کشور مشاهده می‌شود. بر اساس داده‌های ارائه شده، استان کردستان

با حدود ۸ ازدواج در هزار نفر جمعیت، بالاترین میزان خام ازدواج را به خود اختصاص داده و در مقابل، استان سمنان با حدود ۵ ازدواج در هزار نفر جمعیت پایین‌ترین میزان را ثبت کرده است.

وی با بررسی درصد تغییرات این شاخص در بازه‌های زمانی فوق توضیح داد: چه در دوره بلندمدت میان سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ و چه در دوره کوتاه‌مدت، روند کلی ازدواج در تمامی استان‌های کشور کاهش یافته است. با این حال نکته مهم آن است که استان‌هایی که هم‌اکنون میزان ازدواج پایین‌تری دارند، کاهش شدیدتری را نیز تجربه کرده‌اند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که این استان‌ها نه تنها از سطح پایین‌تری در ازدواج برخوردار هستند، کاهش بیشتری را تجربه کرده‌اند و این وضعیت می‌تواند به عنوان هشدار برای آینده جمعیتی این مناطق تلقی شود.

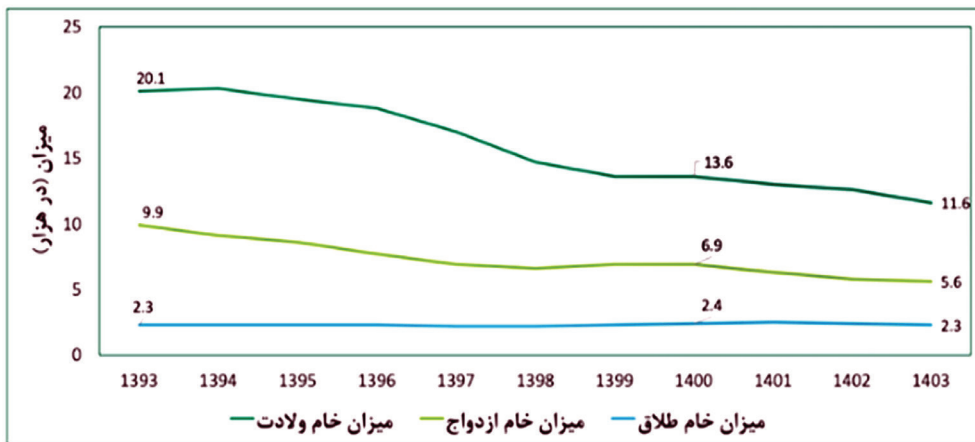
وی سپس به بررسی وضعیت طلاق در استان‌های مختلف کشور پرداخت و گفت: استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان خام طلاق را دارد، هرچند بخشی از این وضعیت می‌تواند ناشی از ویژگی‌های فرهنگی و ثبت نشدن بخشی از طلاق‌ها در این استان باشد. پس از این استان نیز چهارمحال و بختیاری، ایلام و خراسان جنوبی در میان استان‌هایی قرار دارند که کمترین میزان خام طلاق را تجربه می‌کنند.

دکتر ترابی با اشاره به روند تغییرات میزان خام طلاق در همان بازه زمانی اظهار کرد: داده‌ها بیانگر روندی افزایشی در این شاخص در بیشتر استان‌های کشور هستند. نکته قابل توجه آن است که استان‌هایی که پیش‌تر میزان طلاق کمتری داشته‌اند، در سال‌های اخیر با افزایش بیشتری در این شاخص مواجه شده‌اند.

معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور در ادامه به بررسی ارتباط میان شاخص‌های ازدواج، طلاق و باروری پرداخت و توضیح داد: انتظار نظری آن است که در استان‌هایی که افراد بیشتری در چارچوب ازدواج قرار دارند، سطح باروری بالاتر باشد. البته بررسی این روابط به معنای استخراج روابط علت و معلولی نیست، بلکه صرفاً نشان‌دهنده همبستگی در داده‌هاست. بر همین اساس، تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد میان میزان خام ازدواج و میزان خام ولادت رابطه‌ای مثبت وجود دارد. به بیان دیگر، استان‌هایی که ازدواج بیشتری را تجربه می‌کنند، معمولاً از سطح ولادت بالاتری نیز برخوردار هستند. در مقابل، میان میزان خام طلاق و میزان خام ولادت رابطه‌ای منفی مشاهده می‌شود. اگرچه این رابطه از نظر شدت ضعیف‌تر از رابطه میان ازدواج و ولادت است، اما همچنان نشان می‌دهد که در استان‌هایی که طلاق بیشتری رخ می‌دهد، باروری پایین‌تری نیز

مشاهده می‌شود. دکتر ترابی افزود: در این تحلیل‌ها استان سیستان و بلوچستان به دلیل پرت بودن داده‌ها از محاسبات حذف شده است.

روند تغییرات میزان‌های خام ولادت، ازدواج و طلاق در کشور در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳



منبع: درگاه آمارهای آسانی سازمان ثبت احوال کشور (۱۴۰۴)

وی در ادامه به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه اشاره کرد و گفت: زمانی که دو متغیر میزان خام ازدواج و میزان خام طلاق به صورت همزمان وارد مدل می‌شوند، قادر هستند حدود ۵۰ درصد از واریانس میزان خام ولادت را تبیین کنند. قدرت تبیین بالای این دو متغیر، تصویر نسبتاً روشنی از نقش تعیین‌کننده ازدواج و طلاق در تحولات باروری کشور ارائه می‌دهد.

دکتر ترابی سپس به محدودیت‌های آماری موجود اشاره کرد و گفت: سازمان ثبت احوال کشور آخرین بار سالنامه آمارهای جمعیتی را برای سال ۱۳۹۸ منتشر کرده است و به همین دلیل بخشی از تحلیل‌های ارائه‌شده بر مبنای داده‌های آن سال انجام شده است. اگرچه این داده‌ها قدیمی محسوب می‌شوند، اما رسمی‌ترین داده‌های موجود هستند و امکان ارائه تصویری قابل اتکا از وضعیت کشور را فراهم می‌کنند.

رابطه بین میزان باروری با میزان‌های ازدواج و طلاق در کشور در سال ۱۴۰۳



◀ داده‌های استانی نشان می‌دهد مناطق دارای باروری پایین‌تر، بیشترین ظرفیت را برای رشد از مسیر افزایش تأهل دارند

این استاد دانشگاه در ادامه به تفاوت میان «میزان باروری عمومی» و «میزان باروری زناشویی» پرداخت و توضیح داد: در میزان باروری عمومی، تعداد مولید بر کل زنان در سنین باروری تقسیم می‌شود، در حالی که در میزان باروری زناشویی، تنها زنان متأهل در مخرج کسر قرار می‌گیرند. به همین دلیل شاخص دوم تصویری دقیق‌تر از رفتار باروری در چارچوب ازدواج ارائه می‌دهد و طبیعتاً مقدار آن نیز بیشتر خواهد بود. بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۸، میزان باروری عمومی کشور حدود ۵۲ بوده است، اما هنگامی که همین شاخص برای زنان متأهل محاسبه می‌شود، مقدار آن به حدود ۷۲ می‌رسد؛ به عبارت دیگر تنها با محدود کردن جامعه آماری به زنان متأهل، ۲۰ واحد به این شاخص افزوده می‌شود.

دکتر ترابی با اشاره به تفاوت‌های استانی این شاخص‌ها اظهار کرد: اگر تفاوت مطلق میان میزان باروری عمومی و میزان باروری زناشویی بررسی شود، در استان‌هایی که سطح باروری پایین‌تری دارند این فاصله عددی کمتر است. اما زمانی که تفاوت‌ها به صورت درصدی استاندارد می‌شوند، نتیجه معکوسی به دست می‌آید. در این حالت مشاهده می‌شود استان‌هایی که هم‌اکنون باروری پایین‌تری دارند، ظرفیت بیشتری برای افزایش

باروری از طریق افزایش میزان تأهل در اختیار دارند.

وی با اشاره به نمونه‌هایی مانند گیلان و مازندران توضیح داد: در این استان‌ها تفاوت میان شاخص‌ها می‌تواند به حدود ۵۰ درصد برسد و این مسئله نشان می‌دهد که اگر نسبت زنان متأهل افزایش یابد، ظرفیت رشد باروری نیز بیشتر خواهد شد. این یافته یکی از مهم‌ترین پیام‌های سیاستی پژوهش حاضر به شمار می‌رود؛ زیرا نشان می‌دهد بخشی از کاهش باروری در استان‌های دارای باروری پایین، از مسیر کاهش تأهل و افزایش سن ازدواج قابل تبیین است.

دکتر ترابی در ادامه ارائه خود به بررسی میزان‌های باروری ویژه سنی و میزان‌های باروری ویژه سنی زناشویی پرداخت و توضیح داد: این شاخص‌ها می‌توانند تصویر دقیق‌تری از ظرفیت‌های موجود برای افزایش باروری در کشور ارائه دهند. وی یادآور شد که الگوی معمول میزان‌های باروری ویژه سنی در ایران به شکل یک منحنی U وارونه است؛ به این معنا که باروری در سنین پایین‌تر کمتر است، در میانه سنین باروری به اوج می‌رسد و سپس به تدریج کاهش می‌یابد.

وی با اشاره به داده‌های سال ۱۳۹۸ اظهار کرد: در آن سال استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی بالاترین میزان‌های باروری را در کشور داشته‌اند. در سطح ملی نیز بیشترین میزان باروری معمولاً در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال یا ۲۵ تا ۲۹ سال مشاهده می‌شود. با این حال، زمانی که محاسبات بر مبنای زنان متأهل انجام می‌شود، الگوی متفاوتی نمایان می‌شود.

دکتر ترابی توضیح داد: در این حالت بیشترین ظرفیت باروری در گروه‌های سنی زیر ۳۰ سال قرار می‌گیرد و به ترتیب گروه‌های سنی ۱۵ تا ۱۹ سال، ۲۰ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال بیشترین سهم را در افزایش ظرفیت باروری دارند. به گفته وی، این یافته نشان می‌دهد که ورود زنان به زندگی مشترک در سنین کمتر از ۳۰ سال، نقش مهمی در افزایش باروری دارد. وی البته تأکید کرد: این الگو در همه استان‌های کشور یکسان نیست. در برخی استان‌ها بیشترین باروری در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال مشاهده می‌شود و در برخی دیگر گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال بیشترین سهم را دارد. همچنین در استان‌هایی که باروری بالاتری دارند، سهم گروه‌های سنی ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال در باروری بیشتر است.

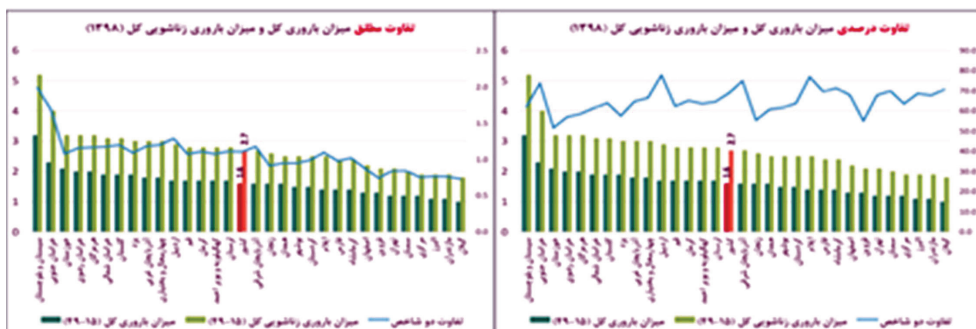
دکتر ترابی در ادامه با اشاره به شاخص باروری کل یا TFR گفت: بر اساس محاسبات سازمان ثبت احوال، میزان باروری کل کشور در سال ۱۳۹۸ حدود ۱.۶ فرزند بوده است. اما زمانی که همین شاخص برای زنان متأهل محاسبه می‌شود و به اصطلاح «باروری کل

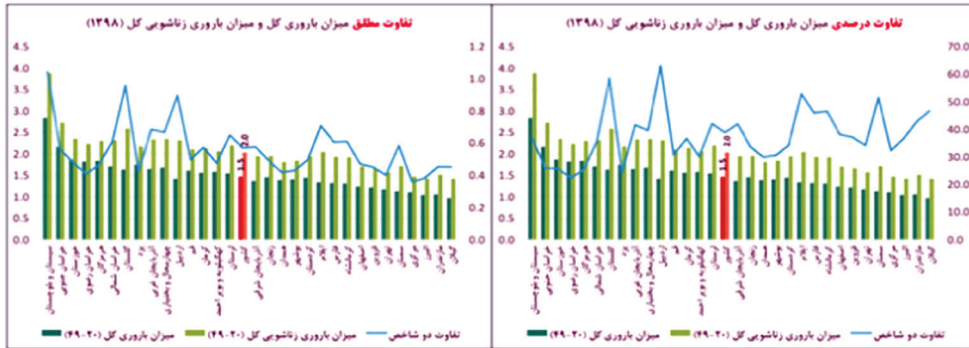
زناشویی» به دست می‌آید، رقم آن به حدود ۲۰۷ درصد افزایش پیدا می‌کند. این محاسبات نشان می‌دهد که صرفاً با افزایش نسبت زنان متأهل در سنین باروری، می‌توان تا بیش از یک واحد به شاخص باروری کل افزود. به گفته وی، این اختلاف بسیار معنادار است و ظرفیت قابل توجهی را برای سیاست‌گذاری در حوزه ازدواج و خانواده نشان می‌دهد. وی افزود: در اینجا نیز همان الگوی قبلی مشاهده می‌شود. اگر تفاوت مطلق میان باروری کل و باروری کل زناشویی بررسی شود، در استان‌های دارای باروری کمتر این فاصله عددی کمتر است، اما زمانی که تفاوت‌ها به صورت درصدی محاسبه می‌شود، مشخص می‌شود استان‌هایی که در حال حاضر باروری پایین‌تری دارند، ظرفیت بیشتری برای افزایش باروری از طریق افزایش تأهل دارند.

دکتر ترابی با اشاره به نمودارهای ارائه شده اظهار کرد: برای رفع این نگرانی که شاید امکان افزایش ازدواج در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال محدود باشد، محاسبات مجدداً انجام شد اما این بار گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال از تحلیل حذف و تنها زنان ۲۰ تا ۴۹ ساله در نظر گرفته شدند. نتایج این بررسی نشان داد که حتی در این شرایط نیز حدود نیم واحد به شاخص باروری کل افزوده می‌شود. این افزایش همچنان رقم بزرگی محسوب می‌شود و کشور را تا حدود زیادی به سطح جانشینی نزدیک می‌کند.

تفاوت بین میزان باروری کل و میزان باروری زناشویی کل زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸

تفاوت بین میزان باروری کل و میزان باروری زناشویی کل زنان ۲۰ تا ۴۹ ساله در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸





منبع: پرفارش بر اساس سالنامه آماری جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۸)

وی یادآور شد: در این تحلیل نیز همان الگوی قبلی مشاهده شد؛ به این معنا که استان‌هایی با باروری پایین‌تر از افزایش تأهل سود بیشتری می‌برند. در برخی استان‌ها مانند گیلان، مازندران و البرز در محاسبات اولیه افزایش ناشی از تأهل به حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسید. هرچند با حذف گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال این درصدها کاهش پیدا می‌کند، اما همچنان قابل توجه است و نشان می‌دهد که بخش مهمی از ظرفیت افزایش باروری از طریق افزایش میزان تأهل در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۴۹ سال نیز وجود دارد.

این استاد دانشگاه جمع‌بندی این بخش از نتایج را چنین بیان کرد: صرف نظر از اینکه گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال در تحلیل حضور داشته باشد یا خیر، افزایش تأهل و کاهش سن ازدواج می‌تواند به شکل قابل توجهی بر افزایش باروری کشور اثر بگذارد؛ آن هم بدون آنکه نیازی به مداخله مستقیم در رفتار باروری خانوارها وجود داشته باشد.

◀ افزایش سن ازدواج سن فرزندآوری را بالا برده و فرصت‌های باروری را محدود کرده است

دکتر ترابی در ادامه سخنان خود به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تأثیر ازدواج بر باروری اشاره کرد و گفت: در جامعه ایران فرزندآوری در چارچوب ازدواج رخ می‌دهد. بنابراین انتظار می‌رود هرچه سن ازدواج افزایش پیدا کند، سن فرزندآوری نیز افزایش یابد و افراد در سنین بالاتری صاحب فرزند شوند. در روندهای آماری دهه اخیر نیز داده‌ها دقیقاً همین موضوع را نشان می‌دهند. بر اساس این آمارها، میانگین سن ازدواج زنان طی این دوره افزایش یافته و از حدود ۲۳.۳ سال به بیش از ۲۴ سال رسیده است. در همین

بازه زمانی، میانگین سن فرزندآوری نیز بیش از یک سال افزایش پیدا کرده و ۱٫۷ سال رشد داشته است.

دکتر ترابی افزود: هر دو شاخص در میان استان‌های کشور تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهند. هم میانگین سن ازدواج و هم میانگین سن فرزندآوری در فاصله زمانی مورد بررسی، چه در بازه بلندمدت و چه در بازه کوتاه‌مدت، روندی افزایشی داشته‌اند. نکته مهم‌تر آن است که استان‌هایی که هم‌اکنون میانگین سن ازدواج بالاتری دارند، افزایش بیشتری را نیز تجربه کرده‌اند.

وی با اشاره به استان‌هایی مانند تهران، البرز، ایلام و گیلان توضیح داد: این استان‌ها نه تنها از میانگین سن ازدواج بالاتری برخوردار هستند، بلکه سرعت افزایش این شاخص نیز در آن‌ها بیشتر بوده است؛ موضوعی که به اعتقاد وی باید به عنوان یک هشدار جدی مورد توجه قرار گیرد.

استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران در ادامه به بررسی رابطه میان میانگین سن اولین ازدواج و میانگین سن اولین فرزندآوری پرداخت و گفت: داده‌های موجود نشان می‌دهد که میان این دو متغیر رابطه‌ای بسیار قوی وجود دارد. پس از حذف استان سیستان و بلوچستان به دلیل پرت بودن داده‌ها، ضریب همبستگی پیرسون میان میانگین سن ازدواج و میانگین سن مادر شدن نخستین فرزند به حدود ۰٫۹ رسیده است؛ رقمی که از نظر آماری بسیار بالا و معنادار محسوب می‌شود. این نتیجه به روشنی نشان می‌دهد استان‌هایی که در آن‌ها زنان دیرتر ازدواج می‌کنند، دیرتر نیز صاحب فرزند می‌شوند. به عبارت دیگر، تأخیر در ازدواج با تأخیر در فرزندآوری همراه است و نمی‌توان این دوروند را از یکدیگر جدا دانست. این یافته از منظر سیاست‌گذاری اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد بخشی از افزایش سن فرزندآوری در کشور ریشه در افزایش سن ازدواج دارد.

◀ فاصله میان سن مطلوب و سن واقعی ازدواج نشان می‌دهد موانع ازدواج بیش از آنکه فرهنگی باشند، ساختاری هستند

دکتر ترابی در ادامه به موضوع سن مطلوب ازدواج پرداخت و اظهار کرد: اگرچه طی سال‌های اخیر سن ازدواج در کشور افزایش یافته است، اما همچنان فاصله قابل توجهی میان سن مطلوب ازدواج و سن واقعی ازدواج وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد این فاصله برای زنان و مردان حدود یک و نیم تا دو سال است. به عبارت دیگر، افراد به طور متوسط تمایل دارند زودتر از زمانی که در عمل ازدواج می‌کنند، وارد زندگی مشترک شوند.

این موضوع از منظر سیاست‌گذاری اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد بدون آنکه لازم باشد ترجیحات افراد تغییر کند، همچنان ظرفیت کاهش یک و نیم تا دو ساله در سن ازدواج وجود دارد. این ظرفیت بالقوه می‌تواند در صورت رفع موانع موجود بالفعل شود و آثار خود را در شاخص‌های باروری نشان دهد.

معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به نتایج تحلیل‌های انجام شده گفت: میان سن مطلوب ازدواج و سن واقعی ازدواج نیز رابطه معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، افرادی که سن مطلوب ازدواج بالاتری دارند، در عمل نیز دیرتر ازدواج می‌کنند. این یافته نشان می‌دهد تنها امکانات اقتصادی تعیین‌کننده زمان ازدواج نیستند، بلکه نگرش‌ها، ترجیحات و تمایلات افراد نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. وقتی فرد تمایل داشته باشد زودتر ازدواج کند، معمولاً برای فراهم کردن شرایط آن نیز تلاش بیشتری انجام می‌دهد.

◀ سیاست‌گذاری داده‌محور و خانواده‌محور، شرط موفقیت برنامه‌های جمعیتی در ایران است

دکتر ترابی در بخش پایانی سخنان خود با جمع‌بندی نتایج ارائه شده اظهار کرد: کشور برای مواجهه با چالش‌های جمعیتی نیازمند حرکت به سمت سیاست‌گذاری داده‌محور و خانواده‌محور است. سیاست‌های جمعیتی باید بر پایه داده‌های دقیق طراحی شوند و مداخلات نیز با محوریت خانواده شکل بگیرند. به اعتقاد وی، تنها در چنین شرایطی می‌توان به صورت مؤثر با چالش‌های مرتبط با تشکیل و تحکیم خانواده، کاهش ازدواج، افزایش سن ازدواج و افت باروری مواجه شد.

دکتر ترابی خاطرنشان کرد: تأکید بر تشکیل و تحکیم خانواده در بیانات مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلی جمعیت و سایر اسناد بالادستی نیز به روشنی مشاهده می‌شود و همین مسئله ضرورت توجه بیشتر به این حوزه را نشان می‌دهد. وی با تشریح الزامات سیاست‌گذاری جمعیتی و خانواده‌محور تأکید کرد: اگر قرار است کشور به شکل مؤثری با چالش‌های جمعیتی مواجه شود، سیاست‌ها باید مبتنی بر داده‌های دقیق و شواهد علمی باشند و در عین حال خانواده را در مرکز مداخلات و برنامه‌ریزی‌ها قرار دهند. تحقق چنین رویکردی مستلزم توجه به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مکمل است؛ از جمله تحلیل دقیق داده‌ها، مشارکت عادلانه در فعالیتهای خانه و خانواده، بهره‌گیری از مشوق‌های اقتصادی، تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی، توسعه خدمات خانواده‌محور و اجرای

برنامه‌های فرهنگی و آموزشی که بتوانند نگرش مثبت نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده را تقویت کنند.

وی با اشاره به نتایج ارائه شده در بخش‌های پیشین سخنان خود یادآور شد: نگرش افراد نسبت به ازدواج بر سن ازدواج اثرگذار است و از همین رو، اقدامات فرهنگی نیز می‌توانند در کنار سیاست‌های اقتصادی و حمایتی نقش مؤثری در بهبود وضعیت ازدواج و باروری ایفا کنند. قوانین و سیاست‌ها باید بر پایه شواهد تدوین شوند و این امر مستلزم فراهم شدن بسترهای پژوهشی و ساختاری مناسب است. به گفته او، داده‌ها زیربنای سیاست‌گذاری جمعیتی محسوب می‌شوند و بدون برخورداری از داده‌های دقیق و به‌روز نمی‌توان برنامه‌ریزی مؤثر و ارزیابی صحیحی از سیاست‌ها داشت.

معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به قوانین و اسناد بالادستی اظهار کرد: بند ۱۴ سیاست‌های کلی جمعیت و همچنین ماده ۳۹ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به اشکال مختلف بر ضرورت سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و ارزیابی مستمر سیاست‌ها تأکید کرده‌اند. این تأکیدها نشان می‌دهد توجه به داده و شواهد صرفاً یک توصیه علمی نیست، بلکه در اسناد رسمی کشور نیز به عنوان یکی از الزامات حکمرانی جمعیتی مورد توجه قرار گرفته است.

دکتر ترابی در ادامه یکی از نیازهای اساسی حوزه جمعیت را ایجاد یک پایگاه داده ملی در زمینه ازدواج، فرزندآوری و خانواده دانست و اظهار کرد: وجود چنین سامانه‌ای می‌تواند امکان طراحی مداخلات هدفمند و اثربخش را فراهم کند. وی اظهار امیدواری کرد که مرکز آمار ایران بتواند این مسئولیت را برعهده بگیرد؛ زیرا این نهاد تجربه ارزشمندی در گردآوری، ساماندهی و انتشار داده‌ها دارد و از ظرفیت‌های لازم برای انجام چنین مأموریتی برخوردار است. به اعتقاد ایشان، ایجاد یک نظام داده‌ای منسجم می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا وضعیت ازدواج، فرزندآوری و خانواده را به صورت مستمر رصد کنند و تصمیمات خود را بر پایه اطلاعات دقیق اتخاذ نمایند.

وی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: موفقیت سیاست‌های جمعیتی تنها به تدوین قوانین و برنامه‌ها محدود نمی‌شود و نیازمند فراهم شدن مجموعه‌ای از الزامات ساختاری است. وی وجود نهادهای هماهنگ‌کننده، قوانین حمایتی و منابع مالی پایدار را از جمله مهم‌ترین پیش‌شرط‌های اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی محسوب دانست.

دکتر ترابی با اشاره به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت یادآور شد: در این قانون از ستاد ملی جمعیت به عنوان نهاد محوری یاد شده است و به اعتقاد او این ستاد باید

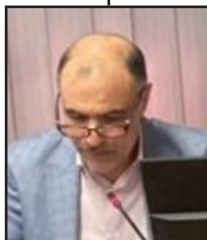
اختیارات کافی برای سیاست‌گذاری، هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف و مدیریت منابع را در اختیار داشته باشد.

استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران در ادامه بر اهمیت همکاری میان دستگاه‌های مختلف تأکید کرد و گفت: وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه خانواده، سلامت و آموزش باید در چارچوبی هماهنگ با یکدیگر همکاری کنند. بخشی از چالش‌های موجود در حوزه جمعیت ناشی از نبود هماهنگی کافی میان نهادهای مختلف است و بدون شکل‌گیری همکاری‌های بین‌بخشی، دستیابی به اهداف جمعیتی دشوار خواهد بود.

دکتر ترابی همچنین تأمین منابع مالی پایدار را از دیگر الزامات موفقیت سیاست‌های جمعیتی دانست و اظهار کرد که دستگاه‌ها باید از منابع در اختیار خود و میزان پایداری آن‌ها اطلاع داشته باشند تا بتوانند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و مؤثر انجام دهند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت اصلاح مستمر قوانین و برنامه‌ها تأکید کرد و گفت که در فرآیند اجرا ممکن است کاستی‌ها، مشکلات و ابهاماتی آشکار شود که در زمان تدوین قوانین قابل پیش‌بینی نبوده‌اند. به همین دلیل سیاست‌ها و قوانین باید به صورت مستمر مورد ارزیابی قرار گیرند و در صورت نیاز بر اساس داده‌های جدید و تجربیات اجرایی اصلاح شوند. ارزیابی مستمر و شفاف یکی از ارکان اصلی حکمرانی مبتنی بر شواهد است و می‌تواند به افزایش اثربخشی سیاست‌های جمعیتی کمک کند.

معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور در پایان سخنان خود نقش جامعه مدنی، رسانه‌ها و نخبگان را در موفقیت سیاست‌های جمعیتی مورد توجه قرار داد و اظهار کرد: این گروه‌ها می‌توانند به عنوان کنشگران مؤثر در حوزه جمعیت عمل کنند. رسانه‌ها، دانشگاهیان، پژوهشگران و سایر فعالان اجتماعی می‌توانند به ارتقای آگاهی عمومی، تبیین مسائل جمعیتی و کمک به استقرار حکمرانی داده‌محور و خانواده‌محور یاری رسانند.



دکتر محسن بنی جمالی

ازدواج هنوز مهم‌ترین دغدغه جوانان است؛ «تله گذار به بزرگسالی» سن ازدواج را به تعویق انداخته است

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان با رد این تصور که ازدواج دیگر برای نسل جدید اهمیت ندارد، تأکید کرد که ازدواج همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوانان ایرانی است. به گفته او، طولانی شدن مسیر تحصیل، نااطمینانی شغلی، دشواری دستیابی به استقلال اقتصادی، فشارهای خانوادگی و ضعف حمایت‌های رفاهی موجب شده جوانان در «تله گذار به بزرگسالی» گرفتار شوند و ازدواج را با وجود تمایل جدی، به تعویق بیندازند.

◀ برخلاف برخی روایت‌ها، ازدواج همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوانان ایرانی است

دکتر بنی جمالی با اشاره به مطالعات گسترده انجام شده در حوزه ازدواج، اظهار کرد: در موضوع ازدواج بحث زیادی شده است. مطالعات متفاوتی صورت گرفته و پژوهش‌های متعددی درباره مشکلات و موانع ازدواج انجام شده است. در این زمینه بحث‌های گسترده‌ای مطرح شده؛ اعم از مشکلات نرم و سخت، مسائل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ازدواج که می‌توان درباره آن‌ها مطالعات بسیار زیادی انجام داد. وی با اشاره به تأثیر مدرنیته بر نهاد ازدواج افزود: مدرنیته ازدواج را تغییر داده، نهادها را دگرگون کرده و تحولات مختلفی را در این حوزه به وجود آورده است. اگر بخواهم وارد

جزئیات شوم، این اعتقاد وجود دارد که در حوزه ازدواج نوعی فردی شدن اتفاق افتاده و ازدواج و نهادهای مرتبط با آن دچار تغییر شده‌اند.

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان ادامه داد: من می‌خواهم مفهوم گذار به بزرگسالی را در اینجا مطرح کنم. وقتی از مشکلات جوانان صحبت می‌کنیم، نیازمند توجه به متغیرهای متنوعی هستیم. به‌طور خاص جنس، سن و طبقه اجتماعی در این زمینه تأثیرگذار هستند. با این حال می‌خواهم به این موضوع بپردازم که گذار به بزرگسالی چگونه وضعیت ازدواج جوانان را تغییر می‌دهد.

وی با اشاره به برخی برداشت‌ها درباره نگرش نسل جدید به ازدواج گفت: در مطالعاتی که صورت گرفته، گاهی گفته می‌شود جوانان دیگر به ازدواج فکر نمی‌کنند. تصویری از جوان امروز مطرح می‌شود که گویی جهان اجتماعی او کاملاً تغییر کرده است. این همان مباحثی است که در نظریه‌های مدرنیته متأخر مطرح می‌شود؛ نظریه‌هایی که معتقدند جوانان وارد دنیای دیگری شده‌اند. بر اساس دیدگاه‌هایی مانند دیدگاه اولریش بک، افراد دیگر اهداف مشخص و ثابتی در زندگی ندارند. جهان آن قدر متحول شده که افراد دیگر هدف‌های از پیش تعیین شده را دنبال نمی‌کنند، بلکه در هر موقعیتی هدف جدیدی برای خود تعریف می‌کنند. جهان سیال شده، زندگی سیال شده و حتی عشق نیز سیال شده است.

وی ادامه داد: زیگمونت باومن مفهومی با عنوان عشق سیال را مطرح می‌کند. او همچنین از مفهومی به نام انسان کوچ‌نشین یا انسان توریست سخن می‌گوید؛ انسانی که هر لحظه در جایی حضور دارد و سپس به جای دیگری می‌رود. در این نگاه، زندگی نیز همین ویژگی را پیدا کرده است. افراد مدتی با یکدیگر زندگی می‌کنند، بعد خسته می‌شوند و سراغ فرد دیگری می‌روند. در نتیجه ازدواج دیگر موضوعیت گذشته را ندارد.

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان تأکید کرد: البته باید توجه داشت که خود این مفاهیم نیز برساخته هستند. این مفاهیم محصول جهان نولیبرال و جهان مصرف‌زده‌ای هستند که در آن مصرف تعیین‌کننده شده است. به همین دلیل مطالعات مصرف در جامعه‌شناسی این اندازه اهمیت پیدا کرده‌اند. در گذشته هویت افراد بیشتر با تولید معنا پیدا می‌کرد، اما امروز هویت با مصرف تعریف می‌شود. اگر بخواهید بدانید یک فرد چه کسی است، چه جایگاهی دارد و چه ویژگی‌هایی دارد، باید ببینید چه چیزی مصرف می‌کند. نوع مصرف او تعیین می‌کند که چه هویتی

دارد و جایگاه اجتماعی اش چیست.

دکتر بنی جمالی با اشاره به یافته‌های پژوهشی خود گفت: مطالعه‌ای که بنده انجام داده‌ام و همچنین مطالعات دیگری که در این حوزه انجام شده، نشان می‌دهد که واقعاً چنین وضعیتی در ایران وجود ندارد. هنوز برای جوانان ایرانی ازدواج مسئله است. ازدواج همچنان یکی از اهداف جدی زندگی آن‌هاست و یک دغدغه مهم به شمار می‌رود.

دکتر بنی جمالی با تأکید بر اینکه برخی برداشت‌ها درباره کاهش اهمیت ازدواج در میان جوانان ناشی از خطای تحلیلی است، اظهار کرد: این تصور که جوانان دیگر به ازدواج فکر نمی‌کنند، بیشتر به این دلیل به وجود آمده که متغیرهایی که در بحث قبلی به آن‌ها اشاره کردم، یعنی سن، جنس و طبقه، در تحلیل‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند. معمولاً از افراد سؤال می‌شود که ازدواج چقدر برایشان اهمیت دارد و پاسخ‌های همه گروه‌های سنی در کنار هم قرار می‌گیرد. در حالی که وقتی از جوان صحبت می‌کنیم، دامنه سنی گسترده‌ای از حدود ۱۵ سال تا ۳۰ یا ۳۵ سال را شامل می‌شود. طبیعی است که وقتی از فردی در سنین پایین‌تر سؤال می‌شود، اولویت‌های او بیشتر حول تحصیل، مهاجرت یا تجربه‌های فردی باشد و کمتر از ازدواج صحبت کند. اما وقتی سن را در تحلیل وارد می‌کنیم، نتایج کاملاً متفاوت می‌شود.

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان ادامه داد: اگر تحولات سنی را بررسی کنیم، می‌بینیم که ازدواج واقعاً برای جوانان مسئله است. به‌ویژه تا حدود ۲۰ سالگی اساساً موضوع ازدواج چندان مطرح نیست. حتی تا ۲۵ سالگی نیز بیشتر موضوع تحصیل اهمیت دارد. بعد از آن اشتغال، سربازی برای پسران و تلاش برای اثبات خود در فضای اجتماعی مطرح می‌شود. اما به‌ویژه بعد از ۲۷ یا ۲۸ سالگی و سپس پس از ۳۰ سالگی، ازدواج به مهم‌ترین مسئله بسیاری از جوانان تبدیل می‌شود.

وی تصریح کرد: در این سنین، مشکلات مرتبط با ازدواج به شکل کاملاً عینی در زندگی جوانان اثر می‌گذارد. آن‌ها در فرآیند انتخاب همسر با درگیری‌های ذهنی و اضطراب‌های جدی مواجه هستند و این موضوع بخش مهمی از زندگی روزمره آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دکتر بنی جمالی با انتقاد از برخی برداشت‌های رایج در مطالعات اجتماعی کشور گفت: متأسفانه این خطای شناختی در برخی مطالعات تئوریزه شده است. در بخشی از پژوهش‌هایی که در ایران انجام می‌شود، گفته می‌شود جوانان دچار تغییرات نسلی

شده‌اند و باید آن‌ها را صرفاً با همان نگاه‌هایی که افرادی مانند باومن یا بک مطرح می‌کنند تحلیل کرد. بر همین اساس نتیجه می‌گیرند که دیگر نباید از منظر گذشته به ازدواج نگاه کرد. وی تأکید کرد: اما یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که چنین برداشتی درست نیست. ازدواج هنوز مسئله است، هنوز یک دغدغه جدی محسوب می‌شود و همچنان نیازمند توجه ویژه است.

◀ ازدواج همچنان مهم‌ترین نشانه ورود به بزرگسالی در جامعه ایران محسوب می‌شود

این پژوهشگر حوزه جوانان با اشاره به اهمیت نظریه گذار به بزرگسالی اظهار داشت: نوع نگاهی که در تحلیل دوره گذار به بزرگسالی مطرح می‌شود، همچنان اهمیت دارد. با وجود اینکه برخی معتقدند دیگر نباید از این رویکرد استفاده کرد، اما واقعیت این است که نگاه گذار همچنان موضوعیت دارد و تعیین‌کننده است. این موضوع به‌ویژه برای سیاست‌گذارانی که در حوزه ازدواج، جوانان و جمعیت فعالیت می‌کنند اهمیت فراوانی دارد. ممکن است در مباحث نظری دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شود، اما در عمل همچنان شاخص‌های اصلی گذار به بزرگسالی پابرجا هستند.

دکتر بنی‌جمالی ادامه داد: در تعیین‌کننده‌های گذار به بزرگسالی، تحصیل، اشتغال، استقلال و ازدواج همچنان مهم‌ترین شاخص‌ها هستند. تا زمانی که فرد از تحصیل به اشتغال نرسد، استقلال پیدا نکند و ازدواج نکند، این گذار کامل نخواهد شد. به‌طور ویژه در کشور ما، ازدواج همچنان مهم‌ترین شاخص گذار به بزرگسالی محسوب می‌شود. هرچند استقلال نیز اهمیت زیادی دارد، اما هنوز ازدواج تعیین‌کننده‌ترین نشانگر ورود به بزرگسالی است و جایگاه مهم خود را حفظ کرده است.

◀ طولانی شدن تحصیل و رقابت برای کسب موقعیت اجتماعی، مسیر ازدواج را دشوارتر کرده است

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان در ادامه به یکی از مهم‌ترین تحولات این حوزه اشاره کرد و گفت: آن اتفاق مهمی که در تله گذار به بزرگسالی رخ داده و می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که عوامل متعددی موجب تأخیر در ازدواج شده‌اند و این عوامل بسیار گسترده هستند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسئله تحصیل است. تحصیل در جامعه ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در

تأخیر ازدواج و طولانی شدن دوره گذار به بزرگسالی داشته است. اما نکته اینجاست که این روند متوقف نشده و همچنان در حال گسترش است. اگر در گذشته داشتن مدرک دیپلم برای ورود به بازار کار کافی بود، به تدریج شرایط تغییر کرد. بعدها با پدیده‌هایی مانند دیپلمه‌های بیکار، لیسانسه‌های بیکار و سپس فارغ التحصیلان مقاطع بالاتر بیکار مواجه شدیم. این روند همچنان ادامه دارد.

وی اظهار کرد: رقابت اجتماعی و اقتصادی و تلاش برای یافتن موقعیت مناسب موجب شده ارزش تحصیلات دائماً افزایش پیدا کند. هرچه زمان می‌گذرد، ارزش مدارک تحصیلی بیشتر می‌شود و در نتیجه دوره تحصیل نیز طولانی‌تر می‌شود. همین مسئله باعث می‌شود دوره گذار به بزرگسالی بیش از گذشته کش پیدا کند.

دکتر بنی‌جمالی در ادامه سخنان خود به الگوهای مختلف گذار به بزرگسالی اشاره کرد و گفت: حتی اگر تحصیل تنها عامل تعیین‌کننده نباشد، باز هم به معنای ورود سریع فرد به فضای ازدواج نیست. برای توضیح این مسئله باید به دو نوع گذار در مطالعات بزرگسالی اشاره کنم؛ گذار تند و گذار کند. گذار تند مربوط به افرادی است که در سنین پایین‌تر، مثلاً حدود ۱۸ یا ۲۰ سالگی، از فضای تحصیل خارج می‌شوند و وارد اشتغال می‌شوند. این افراد ممکن است زودتر به استقلال برسند.

وی افزود: در مقابل، گذار کند مربوط به کسانی است که ابتدا تحصیل می‌کنند، سپس وارد بازار کار می‌شوند، بعد به استقلال می‌رسند و در نهایت ازدواج می‌کنند. این مسیر به صورت تدریجی طی می‌شود. اما نکته مهم این است که هر دو نوع گذار امروز با نوعی کش‌آمدگی مواجه شده‌اند. حتی در گذار تند نیز فرد معمولاً نمی‌تواند به موقعیت تثبیت‌شده‌ای در جامعه دست پیدا کند و به همین دلیل مجبور است دوره طولانی‌تری را در اشتغال و تلاش برای تثبیت موقعیت خود سپری کند. بنابراین چه در گذار تند و چه در گذار کند، با پدیده کش‌آمدن دوره گذار به بزرگسالی مواجه هستیم و این موضوع به شکل مستقیم بر ازدواج اثر می‌گذارد.

◀ اشتغال نامطمئن و آینده مبهم، جوانان را در تله گذار به بزرگسالی گرفتار کرده است

دکتر بنی‌جمالی در ادامه سخنان خود با اشاره به تحولات بازار کار و تأثیر آن بر روند گذار به بزرگسالی گفت: اتفاق دیگری که در حوزه گذار به بزرگسالی رخ داده، مسئله اشتغال پرمخاطره و نامطمئن است. ما از حیث گذار به اشتغال، با شرایطی مواجه شده‌ایم که

نسبت به گذشته تفاوت‌های جدی پیدا کرده است. در گذشته ورود به فضای کار و اشتغال با سهولت بیشتری امکان‌پذیر بود، اما امروز دوره ورود به اشتغال طولانی‌تر شده است. فضای کار گسترش پیدا کرده، اما در عین حال عدم قطعیت بیشتری هم پیدا کرده است. اشتغال پرمخاطره‌تر شده و افراد با شرایط نامطمئن‌تری روبه‌رو هستند.

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان ادامه داد: در بسیاری از موارد تسلط بر شرایط کار وجود ندارد. یعنی فرد شرایط کار را تعیین نمی‌کند، بلکه شرایط کار برای او تعیین می‌شود. همچنین ارتباط با نهادهای حامی در محیط کار کاهش پیدا کرده است. اتحادیه‌ها دیگر قدرت گذشته را ندارند و در مجموع شرایط اشتغال با دشواری‌های بیشتری همراه شده است.

وی اظهار کرد: درآمدها در بسیاری از موارد کافی نیست. نظام‌های ارتقا و پاداش نیز تا حد زیادی تضعیف شده‌اند. حتی در موارد زیادی افراد ناچار می‌شوند در مشاغل فعالیت کنند که پایین‌تر از سطح توانایی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای آن‌هاست. برای مثال ممکن است فردی دارای مدرک کارشناسی باشد، اما برای ورود به بازار کار ناچار شود شغلی را انجام دهد که در گذشته برای دارندگان مدرک دیپلم در نظر گرفته می‌شد.

دکتر بنی‌جمالی تأکید کرد: البته این مسئله فقط مربوط به ایران نیست. بخشی از آن ناشی از تحولات اقتصاد جهانی است. اقتصاد جهانی آن اطمینانی را که در گذشته نسبت به کار وجود داشت از بین برده است. دیگر کار مطمئن به آن معنا وجود ندارد. مشاغل کوتاه‌مدت‌تر شده‌اند، کارهای پاره‌وقت افزایش یافته‌اند و افراد ناچارند مرتب از یک شغل به شغل دیگر جابه‌جا شوند. البته در ایران علاوه بر این تحولات جهانی، شرایط خاص اقتصادی و پیامدهای تحریم‌ها نیز وجود دارد که این وضعیت را تشدید کرده است. بنابراین ما هم تحت تأثیر روندهای جهانی هستیم و هم با مسائل خاص داخلی مواجه‌ایم و مجموع این عوامل موجب شده است گذار به اشتغال پرمخاطره‌تر شود.

◀ انباشت مسئولیت‌ها در «دوره شلوغ زندگی» فشار مضاعفی بر تصمیم به ازدواج وارد می‌کند

دکتر بنی‌جمالی در ادامه یکی دیگر از مفاهیم مهم در تحلیل وضعیت جوانان را مطرح کرد و گفت: مفهوم دیگری که در ازدواج جوانان بسیار مهم و تعیین‌کننده است، مسئله دوره شلوغ زندگی است. این مفهوم نخستین بار در مطالعاتی که درباره مسائل و مشکلات جوانان انجام دادم، مورد توجه قرار گرفت. جوانان در دوره‌ای از زندگی خود با مجموعه‌ای

از فعالیت‌ها و مسئولیت‌های هم‌زمان روبه‌رو می‌شوند که مدیریت آن‌ها بسیار دشوار است. آن‌ها باید در یک دوره نسبتاً کوتاه هم به تحصیل خود بپردازند، هم به دنبال اشتغال باشند، هم برای تثبیت شغل خود تلاش کنند، هم در فضای حرفه‌ای جایگاه خود را به اثبات برسانند و هم مسئولیت‌های ازدواج را بپذیرند.

وی ادامه داد: علاوه بر این، بسیاری از آن‌ها در خانواده نیز مسئولیت‌هایی بر عهده دارند. به همین دلیل با انباشت متعددی از وظایف و مسئولیت‌ها مواجه هستند. البته زنان و مردان به شکل متفاوتی با این شرایط روبه‌رو می‌شوند و شدت این وضعیت در طبقات مختلف اجتماعی نیز متفاوت است. در طبقات بالاتر شدت این فشارها کمتر است، اما در طبقات پایین‌تر به مراتب شدیدتر دیده می‌شود.

وی افزود: شاید ترجمه تحت‌اللفظی این مفهوم به «دوره شلوغ زندگی» یا «دوره پرفرت و آمد» دقیق نباشد، اما منظور این است که جوانان در مقطعی از زندگی خود با حجم بسیار زیادی از وظایف و مسئولیت‌ها مواجه می‌شوند. این وضعیت موجب می‌شود دوره جوانی گسترش پیدا کند و گذار به بزرگسالی طولانی‌تر، نامتعیین‌تر، پرمخاطره‌تر و پرتنش‌تر شود.

◀ میل به ازدواج همچنان پابرجاست، اما خروج از وضعیت گذار هر روز دشوارتر می‌شود

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان در ادامه به یکی از مفاهیم کلیدی مورد نظر خود اشاره کرد و گفت: آنچه باعث می‌شود این دوره طولانی‌شده گذار به بزرگسالی به مسئله‌ای جدی برای ازدواج تبدیل شود، موضوعی است که من از آن با عنوان چسبندگی دوره گذار یاد می‌کنم. فردی که در چارچوب نگاه گذار به زندگی خود نگاه می‌کند، همواره در پی پیشرفت است. او مدام به مرحله بعدی فکر می‌کند؛ به تحصیلات بیشتر، موقعیت شغلی بهتر، درآمد بالاتر و شرایط مطلوب‌تر. به همین دلیل وضعیت گذار همواره ادامه پیدا می‌کند.

دکتر بنی‌جمالی افزود: این وضعیت به تدریج عادی می‌شود و شکل طبیعی زندگی فرد را پیدا می‌کند. در نتیجه قطع کردن این روند و خروج از آن بسیار دشوار می‌شود. به بیان دیگر نوعی چسبندگی در دوره گذار به وجود می‌آید. در چنین شرایطی ازدواج به شدت اضطراب‌آور می‌شود. تصمیم‌گیری درباره ازدواج سخت می‌شود و جدا شدن از وضعیت گذار نیز دشوارتر خواهد شد.

وی ادامه داد: به همین دلیل مشاهده می‌کنیم افرادی که تا ۳۴ یا ۳۵ سالگی مجرد

باقی می‌مانند، با وجود اینکه این وضعیت در جامعه امروز ما تا حدی طبیعی شده است، برای ازدواج با دشواری‌های جدی مواجه هستند. اگر شرایط اشتغال، تحصیل، استقلال و مسائل مسکن را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این دوره گذار عملاً تا حدود ۳۰ سالگی و حتی بیشتر ادامه پیدا می‌کند؛ به‌ویژه برای مردان. البته این مسئله فقط مختص مردان نیست. زنان نیز با همین وضعیت روبه‌رو هستند و آن‌ها نیز دوره طولانی و پیچیده‌ای را در مسیر رسیدن به استقلال و ازدواج تجربه می‌کنند.

دکتر بنی‌جمالی تأکید کرد: در نتیجه این شرایط، هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، ازدواج برای آن‌ها دشوارتر می‌شود. این در حالی است که میل به ازدواج همچنان وجود دارد. افراد همچنان ازدواج را به عنوان یک هدف مطرح می‌کنند، همچنان آن را دنبال می‌کنند و حتی برای آن تلاش می‌کنند. اما با وجود این میل و تلاش، ازدواج به شدت سخت و گاه غیرقابل دسترس می‌شود. در پژوهشی که انجام دادم و همچنین در تجربه‌های روزمره‌ای که همه ما مشاهده می‌کنیم، نمونه‌های فراوانی از این وضعیت دیده می‌شود. به همین دلیل بخشی از جوانان به تدریج از سنین متعارف ازدواج عبور می‌کنند و ممکن است در آینده با افزایش نسبت مجرد قطعی مواجه شویم.

ضعف حمایت‌های رفاهی و فرسودگی خانواده‌ها، هزینه‌های ازدواج را افزایش داده است. دکتر بنی‌جمالی در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه تله گذار به بزرگسالی تنها به مسائل تحصیل، اشتغال و استقلال محدود نمی‌شود، اظهار کرد: البته تله گذار بزرگسالی با مسائل دیگری هم همراه است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها مشکلاتی است که در نظام خانواده به وجود آمده است. ما با نوعی فرسودگی خانواده مواجه هستیم؛ فرسودگی‌ای که بخشی از آن ناشی از این است که در دوره گذار به بزرگسالی وظایف بسیار زیادی بر دوش خانواده گذاشته شده است. در گذشته بسیاری از امکانات و حمایت‌هایی که وجود داشت، به شکل دیگری تأمین می‌شد، اما امروز شرایط تغییر کرده است. تحصیل رایگان تا حد زیادی از بین رفته و بسیاری از امکاناتی که در گذشته با سهولت بیشتری در اختیار خانواده‌ها قرار داشت، دیگر وجود ندارد.

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان ادامه داد: در نتیجه خود خانواده ناچار شده است بخش عمده‌ای از این مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرد. خانواده باید هزینه‌های بیشتری پرداخت کند و با توجه به شرایط موجود، فشارهای سنگین‌تری را تحمل کند. به همین دلیل بخشی از مشکلاتی که امروز جوانان در مسیر تحصیل، اشتغال، استقلال و ازدواج با آن مواجه هستند، در واقع به خانواده‌ها

منتقل شده است و خانواده‌ها ناچارند بار این مشکلات را بر دوش بکشند. دکتر بنی‌جمالی در بخش دیگری از سخنان خود به نقش نظام رفاهی در فرآیند گذار به بزرگسالی اشاره کرد و گفت: مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، نظام رفاهی است. نظام رفاهی ما از جوانان حمایت مؤثری نمی‌کند. در واقع نظام رفاهی کشور به شدت خانواده‌گراست. نظام رفاهی موجود عمدتاً از کسانی حمایت می‌کند که وارد بازار کار شده‌اند و شغل دارند، نه از افرادی که در آستانه ورود به بازار کار قرار دارند یا در مسیر رسیدن به اشتغال هستند. در برخی نظام‌های رفاهی، به‌ویژه در برخی الگوهای لیبرال، با وجود همه انتقادهایی که به آن‌ها وارد است، حمایت‌هایی برای ورود جوانان به بازار کار وجود دارد. این حمایت‌ها به جوانان امکان می‌دهد راحت‌تر وارد رقابت شوند و مسیر اشتغال را طی کنند.

رئیس گروه مطالعات مدیریت مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان ادامه داد: اما در شرایط موجود، نظام خانواده‌گرا عملاً جوانان را محدود می‌کند؛ زیرا از آن‌ها در مراحل ورود به اشتغال، دستیابی به استقلال و طی کردن سایر مراحل گذار حمایت کافی صورت نمی‌گیرد.

◀ فهم مسئله ازدواج بدون توجه به گذار به بزرگسالی ممکن نیست

دکتر بنی‌جمالی با جمع‌بندی مباحث خود اظهار کرد: به همین دلیل است که مشکلات بسیار جدی در حوزه ازدواج به وجود آمده است. من مفهوم گذار به بزرگسالی را به این دلیل مطرح کردم که معتقدم این مفهوم نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم وضعیت ازدواج جوانان دارد، در حالی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. گذار به بزرگسالی مفهومی است که می‌تواند بسیاری از مسائل مرتبط با ازدواج جوانان را توضیح دهد و به همین دلیل نیازمند توجه بیشتر در مطالعات، تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست. این مفهوم ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد؛ از تحصیل و اشتغال گرفته تا استقلال، شرایط خانواده، نظام رفاهی و نهایتاً ازدواج. به همین دلیل برای فهم مسائل جوانان و طراحی سیاست‌های مؤثر در این حوزه، توجه به گذار به بزرگسالی ضروری است.



دکتر فاطمه مدیری

افزایش سن ازدواج و تغییر نگرش‌ها، خانواده ایرانی را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است

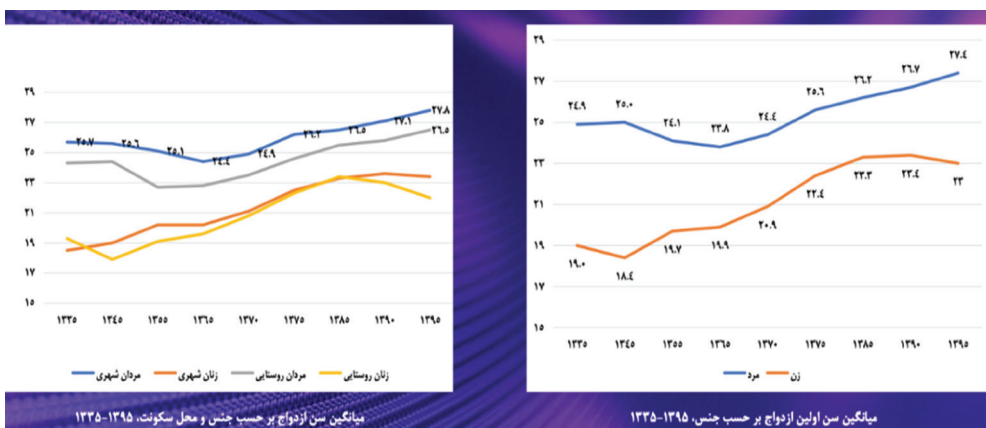
عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به روند رو به افزایش سن ازدواج و گسترش برخی نگرش‌های نوظهور در حوزه خانواده تأکید کرد که اگرچه ازدواج همچنان جایگاه محوری خود را در جامعه ایران حفظ کرده، اما فشارهای اقتصادی، تحولات فرهنگی و تغییرات اجتماعی موجب فاصله گرفتن سن واقعی ازدواج از سن مطلوب شده است. وی همچنین خواستار تدوین سیاست‌های چندبعدی و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی برای حمایت از ازدواج و خانواده شد.

◀ افزایش سن ازدواج و رشد تجرد قطعی از مهم‌ترین تحولات خانواده در ایران امروز است

دکتر مدیری در ابتدای سخنان خود اظهار کرد: همان‌طور که همه می‌دانیم در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که همه پدیده‌های اجتماعی در حال تغییر هستند. در حوزه جمعیت و به طور خاص در حوزه خانواده نیز این تغییرات در جریان است و در حوزه ازدواج نیز شاهد تحولات مختلفی در کشور خودمان هستیم. بررسی این تغییرات در برخی جوامع اهمیت بیشتری دارد و کشور ما نیز از جمله همین جوامع است؛ زیرا ما دارای فرهنگ ایرانی-اسلامی هستیم و بر این باوریم که روابط باید در چارچوب خانواده شکل بگیرد. علاوه بر این، به واسطه تغییرات جمعیتی که در سایر حوزه‌ها نیز با آن مواجه هستیم، موضوع ازدواج برای

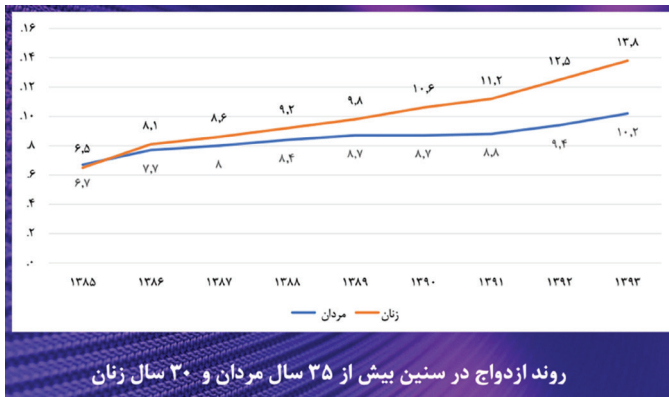
ما اهمیت ویژه‌ای دارد که بخشی از آن را پیش‌تر خانم دکتر ترابی مطرح کردند. دکتر مدیری با اشاره به روند افزایشی سن ازدواج در ایران گفت: یکی از اتفاقاتی که شاید برای جامعه ما چندان خوشایند نباشد اما در حال وقوع است، افزایش میانگین سن ازدواج است. ما تقریباً بیش از شش دهه است که روند افزایش میانگین سن ازدواج را مشاهده می‌کنیم. آمارهای سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که این روند همچنان ادامه دارد و میانگین سن ازدواج افزایش یافته است. در حال حاضر میانگین سن ازدواج برای مردان حدود ۲۸ سال و برای زنان بیش از ۲۴ سال است.

میانگین سن اولین ازدواج در کشور در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵



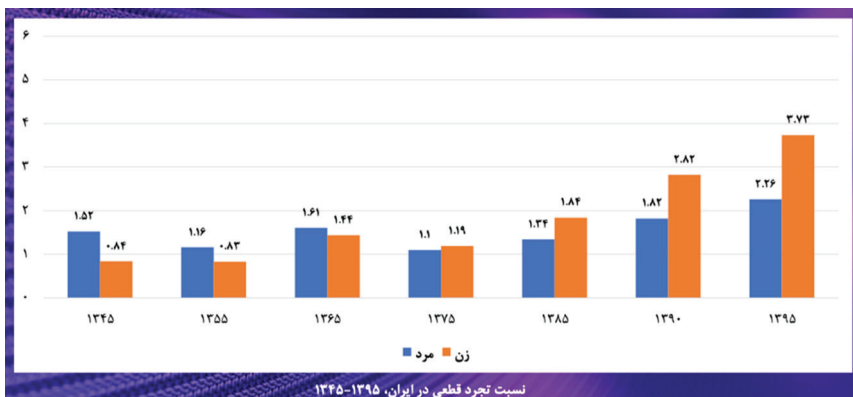
این عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور تأکید کرد: این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که سن مطلوب و ایده‌آل ازدواج از دیدگاه افراد پایین‌تر از این ارقام است؛ هم برای زنان و هم برای مردان. این موضوع نشان می‌دهد که موانعی بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد و بسیاری از افراد نمی‌توانند در سنی که تمایل دارند ازدواج کنند. وی با اشاره به تغییر الگوی سنی ازدواج اظهار داشت: امروز شاهد افزایش ازدواج در سنین بالاتر هستیم. ازدواج مردان بالای ۳۵ سال و زنان بالای ۳۰ سال، روندی افزایشی دارد. این روند هم در میان مردان و هم در میان زنان مشاهده می‌شود، اما در مورد زنان، افزایش ازدواج در سنین بالاتر از ۳۰ سال با شدت بیشتری قابل مشاهده است و به نظر می‌رسد در سال‌های آینده نیز این روند ادامه پیدا کند.

روند تغییرات سهم ازدواج در سنین بالا در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۳



وی سپس به موضوع مجرد قطعی اشاره کرد و گفت: ما سال‌هاست که پدیده مجرد قطعی را در جامعه مشاهده می‌کنیم. اگرچه شیوع آن هنوز چندان بالا نیست، اما به دلیل اهمیت موضوع، نیازمند بررسی دقیق است. در سال‌های گذشته، مجرد قطعی بیشتر در میان مردان مشاهده می‌شد، اما در دهه اخیر شاهد آن هستیم که این پدیده بیشتر در میان زنان دیده می‌شود و روند آن نیز رو به افزایش است. برای بررسی علل این تحولات، حدود یکصد مطالعه مختلف را مورد بررسی قرار دادیم تا مشخص شود عوامل شکل‌گیری این پدیده‌ها چیست و چرا برخی از این تحولات که از نگاه ما مطلوب نیستند، در حال گسترش هستند.

نسبت مجرد قطعی در کشور در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵



وی افزود: در مورد افزایش میانگین سن ازدواج، برخی عوامل به صورت اجتناب ناپذیر و در نتیجه فرایند توسعه رخ می دهند. بخشی از این عوامل ناشی از تغییراتی است که در سطح جهانی اتفاق افتاده و تقریباً در همه جوامع مشاهده می شود. شهرنشینی، افزایش سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و برخی تحولات کلان از جمله عواملی هستند که به طور طبیعی بر سن ازدواج اثر می گذارند.

دکتر مدیری در ادامه گفت: در کنار این عوامل عمومی، برخی عوامل نیز وجود دارند که بیشتر به شرایط جامعه ایران مربوط می شوند و نیازمند بررسی دقیق تر هستند. از جمله این عوامل می توان به اشتغال زنان و افزایش سطح تحصیلات زنان اشاره کرد. مطالعات نشان می دهد هرچه سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان افزایش پیدا کند، میانگین سن ازدواج نیز افزایش می یابد. البته تأثیر اشتغال بر ازدواج زنان و مردان یکسان نیست. در مورد مردان، اشتغال معمولاً باعث کاهش سن ازدواج می شود؛ زیرا فرد به توانایی اقتصادی لازم برای تشکیل خانواده دست پیدا می کند. اما در مورد زنان، نتایج مطالعات نشان می دهد که افزایش اشتغال با افزایش سن ازدواج همراه است.

دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور تأکید کرد: عوامل اقتصادی همچنان نقش بسیار مهمی در افزایش میانگین سن ازدواج دارند. هزینه های ازدواج، بیکاری مردان، انتظارات اقتصادی افراد در زمان آغاز زندگی مشترک و همچنین ناامنی های شغلی از جمله مهم ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر تأخیر ازدواج هستند. در کنار عوامل اقتصادی، برخی متغیرهای فرهنگی نیز اهمیت دارند. تعلقات مذهبی، میزان دینداری و همچنین تفاوت های جغرافیایی و فرهنگی در مناطق مختلف کشور از جمله عواملی هستند که بر سن ازدواج اثرگذارند.

◀ تأخیر در ازدواج موجب طولانی تر شدن همزیستی فرزندان بزرگسال با خانواده شده است

دکتر فاطمه مدیری در ادامه سخنان خود با اشاره به پیامدهای افزایش میانگین سن ازدواج اظهار کرد: یکی از پیامدهایی که افزایش میانگین سن ازدواج به دنبال دارد، افزایش تعداد فرزندان است که در سنین بالاتر همچنان در خانواده زندگی می کنند. در دوره ای، حضور افراد ۲۵ تا ۲۹ ساله در خانواده ها چندان رایج نبود و سهم آن ها کمتر از ۲۰ درصد بود، اما امروز با شرایط متفاوتی مواجه هستیم و حدود ۵۰ درصد افراد این گروه سنی همچنان با خانواده های خود زندگی می کنند.

دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: این وضعیت در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال نیز قابل مشاهده است و روند رو به رشدی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، تعداد افرادی که در سنین بالاتر همچنان در کنار خانواده زندگی می‌کنند، در حال افزایش است. این پدیده می‌تواند پیامدها و آسیب‌هایی را به همراه داشته باشد. انتظاراتی که خود افراد دارند و همچنین انتظاراتی که والدین از فرزندان خود دارند، ممکن است زمینه‌ساز برخی آسیب‌ها شود. در حالی که هم خود جوانان و هم خانواده‌های آنان تمایل دارند فرزندان زودتر به استقلال برسند و از خانواده جدا شوند، اما به دلایلی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، این امکان برای بسیاری از آن‌ها فراهم نیست.

◀ فشارهای اقتصادی و اجتماعی می‌توانند زمینه‌ساز تغییر نگرش‌ها نسبت به خانواده و ازدواج شوند

دکتر مدیری در بخش دیگری از سخنان خود به برخی تحولات نگرشی در جامعه ایران اشاره کرد و گفت: در خانواده ایرانی طی چند دهه اخیر با برخی عناصر نوظهور نیز مواجه بوده‌ایم. اگرچه شیوع این پدیده‌ها بالا نیست، اما به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرند.

وی با اشاره به نگرش نسبت به روابط جنسی پیش از ازدواج اظهار داشت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد افراد به هیچ عنوان روابط جنسی پیش از ازدواج را نمی‌پذیرند و آن را قابل قبول نمی‌دانند. در مقابل، حدود دو تا سه درصد افراد این نوع روابط را کاملاً می‌پذیرند. علاوه بر این، حدود یک‌چهارم افراد نیز در موقعیت بینابینی قرار دارند؛ یعنی معتقدند در برخی شرایط خاص ممکن است چنین روابطی قابل قبول باشد.

این پژوهشگر حوزه خانواده تأکید کرد: برای ما این گروه میانی اهمیت بسیار زیادی دارد. اینکه سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی چگونه طراحی شوند تا این گروه به کدام سمت حرکت کند، موضوع مهمی است. آیا این افراد به گروهی نزدیک خواهند شد که به هیچ عنوان چنین روابطی را نمی‌پذیرند یا به گروهی خواهند پیوست که آن را قابل قبول می‌دانند؟ این مسئله نیازمند توجه جدی است.

نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج



وی در ادامه به یکی دیگر از شاخص‌های تغییر نگرش‌های خانوادگی اشاره کرد و گفت: در بررسی دیدگاه پاسخگویان نسبت به فرزندآوری زنان بدون داشتن همسر قانونی نیز نتایج قابل توجهی مشاهده می‌شود. برای ما بسیار مهم و امیدوارکننده است که بیش از ۹۰ درصد زنان و مردان معتقدند فرزند باید در چارچوب خانواده متولد شود و زن باید همسر قانونی و ثابت داشته باشد. دکتر مدیری تصریح کرد: با این حال در این حوزه نیز گروه کوچکی از افراد وجود دارند که با این موضوع موافق هستند یا در شرایط خاص آن را قابل پذیرش می‌دانند. باز هم اهمیت اصلی متوجه گروه‌های میانی است؛ افرادی که هنوز موضع قطعی ندارند و نگرش آن‌ها می‌تواند تحت تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تغییر کند. اینکه این افراد در آینده به کدام سمت گرایش پیدا کنند، برای سیاست‌گذاران اهمیت زیادی دارد.

دکتر مدیری در ادامه به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌های جدید اشاره کرد و گفت: تقریباً همان عواملی که باعث افزایش میانگین سن ازدواج می‌شوند، در شکل‌گیری این نگرش‌های نوظهور نیز نقش دارند. شهرنشینی، سطح فرهنگی خانواده‌ها، تحصیلات به‌ویژه تحصیلات زنان، گسترش وسایل ارتباط جمعی، فشارهای اقتصادی و افزایش بیکاری از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه هستند.

وی با اشاره به برخی نظریه‌های فرهنگی رایج اظهار داشت: برخلاف بسیاری از نظریه‌های فرهنگی که معتقدند در جوامع پسا صنعتی و در شرایط رفاه و امنیت بالا، افراد از برخی

ارزش‌های سنتی عبور می‌کنند و به سمت ارزش‌های پست‌مدرن حرکت می‌کنند، در جامعه ما شرایط متفاوتی مشاهده می‌شود. در جامعه ایران، بسیاری از این تغییرات نگرشی نه در نتیجه رفاه و امنیت بیشتر، بلکه در نتیجه فشارهای اقتصادی، افزایش بیکاری و نااطمینانی‌های معیشتی شکل می‌گیرند. در واقع زمانی که فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می‌کند و فرصت‌های اشتغال محدودتر می‌شود، زمینه برای تغییر برخی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز فراهم می‌شود.

این عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور در ادامه به پیامدهای این تحولات اشاره کرد و گفت: کاهش گرایش به ازدواج، شکل‌گیری نگرش‌های منفی نسبت به ازدواج، افزایش بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف، افزایش میانگین سن ازدواج و در نهایت افزایش احتمال تجرد قطعی از جمله پیامدهای این تحولات نگرشی است. ما تمایل داریم این روندها گسترش پیدا نکنند و به همین دلیل لازم است عوامل شکل‌دهنده آن‌ها به دقت مورد مطالعه قرار گیرند.

◀ فاصله میان سن مطلوب و سن واقعی ازدواج نشان‌دهنده وجود موانع جدی در مسیر تشکیل خانواده است

دکتر مدیری در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که از نگاه مردم، بهترین سن ازدواج برای دختران ۲۱ تا ۲۴ سال و برای پسران ۲۵ تا ۲۷ سال است. این در حالی است که میانگین واقعی سن ازدواج در جامعه امروز ما بالاتر از این ارقام است و همین مسئله نشان می‌دهد میان وضعیت مطلوب و وضعیت موجود فاصله وجود دارد.

وی با اشاره به نتایج یک پیمایش ملی گفت: در یک پیمایش ملی از افراد پرسیده شده بود که آیا با این گزاره موافق هستند که ازدواج نهادی منسوخ‌شده است یا خیر. نتایج نشان داد حدود ۲۰ درصد پاسخگویان معتقد بودند ازدواج نهادی منسوخ‌شده است. این موضوع برای ما اهمیت دارد؛ زیرا در جامعه‌ای با فرهنگ ایرانی، اسلامی زندگی می‌کنیم که در آن انتظار می‌رود افراد به سمت ازدواج و تشکیل خانواده حرکت کنند. به همین دلیل نیازمند داده‌های جدیدتر و به‌روزی هستیم. لازم است در همه حوزه‌های علوم اجتماعی، داده‌های تازه تولید شود و پیمایش‌های مختلف در طول زمان تکرار شوند تا بتوانیم روندهای اجتماعی را با دقت بیشتری رصد و تحلیل کنیم.

دکتر فاطمه مدیری در ادامه سخنان خود با اشاره به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌های

منفی نسبت به ازدواج اظهار کرد: وقتی به بررسی عوامل مؤثر بر نگرش‌های منفی نسبت به ازدواج می‌پردازیم، مشاهده می‌کنیم که بسیاری از این عوامل همان مواردی هستند که پیش‌تر نیز به آن‌ها اشاره شد. فشارهای اقتصادی، تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که به شکل‌گیری این نگرش‌ها منجر می‌شوند. دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: در کنار این عوامل، رسانه‌ها نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. در واقع ما در تحولات اجتماعی حوزه خانواده و ازدواج با همراهی سه دسته عوامل مواجه هستیم؛ عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی. به همین دلیل سیاست‌گذاری در این حوزه نیز باید به گونه‌ای باشد که هر سه دسته عوامل را به صورت همزمان مورد توجه قرار دهد.

◀ خانواده همچنان مهم‌ترین مرجع همسرگزینی است، هرچند الگوهای انتخاب همسر در حال تغییرند

دکترمدیری در بخش دیگری از سخنان خود به تحولات الگوی همسرگزینی در ایران اشاره کرد و گفت: به نظر می‌رسد خانواده‌ها همچنان به عنوان یک گروه مرجع مهم در فرآیند همسرگزینی مطرح هستند. اگرچه نقش خانواده‌ها نسبت به گذشته تا حدی کم‌رنگ‌تر شده و ازدواج تا اندازه‌ای فردی‌تر شده است، اما همچنان خانواده عنصر مهمی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ازدواج محسوب می‌شود و افراد برای نظر خانواده اهمیت قائل هستند. همچنین امروز نقش زنان و میزان کنشگری آن‌ها در فرآیند انتخاب همسر نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و حضور فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با ازدواج دارند.

وی در ادامه سخنان خود اظهار کرد: یکی از ویژگی‌های مهم جامعه ایران این است که در حوزه خانواده به طور همزمان با عناصر سنتی، مدرن و پست‌مدرن مواجه هستیم. از یک سو در شیوه‌های همسرگزینی مشاهده می‌کنیم که خانواده‌ها همچنان اهمیت دارند و از سوی دیگر برخی تغییرات مدرن نیز در حال وقوع است. برای مثال ازدواج خویشاوندی همچنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های سنتی در جامعه ایران رواج دارد، هرچند تغییراتی در آن ایجاد شده است.

دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور گفت: در گذشته ازدواج با خویشاوندان پدری شیوع بیشتری داشت، اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر گرایش بیشتری به سمت ازدواج با خویشاوندان مادری شکل گرفته است. نسل جوان همچنان از

شبکه‌های خویشاوندی استفاده می‌کند، اما این استفاده شکل متفاوتی پیدا کرده است. بسیاری از جوانان از این شبکه‌های خویشاوندی برای گسترش روابط اجتماعی و آشنایی بیشتر با گزینه‌های ازدواج بهره می‌گیرند.

◀ جامعه ایران به طور همزمان با واقعیت‌های سنتی، مدرن و پست مدرن مواجه است

دکتر مدیری با اشاره به یکی از ویژگی‌های مهم جامعه ایران اظهار داشت: با وجود همه تغییراتی که در حوزه خانواده و ازدواج مشاهده می‌کنیم، عمومیت ازدواج همچنان در ایران حفظ شده است. بیش از ۹۵ درصد مردان تا سنین ۴۵ تا ۴۹ سالگی ازدواج می‌کنند و در مورد زنان نیز بیش از ۹۶ درصد تا این سنین ازدواج را تجربه می‌کنند. برای جامعه‌ای که خانواده و ازدواج در آن اهمیت بالایی دارد، این موضوع یک شاخص مثبت و امیدوارکننده محسوب می‌شود.

دکتر مدیری در ادامه به تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان اشاره کرد و گفت: اینکه عمومیت ازدواج در زنان کمتر از مردان است، دلایل مختلفی دارد که تا حد زیادی با آن‌ها آشنا هستیم. میزان کنشگری زنان در امر ازدواج همچنان کمتر از مردان است و زنانی که با گسست خانوادگی مواجه می‌شوند نیز معمولاً شانس کمتری برای ازدواج مجدد دارند. وی سپس به یکی دیگر از مؤلفه‌های سنتی موجود در جامعه اشاره کرد و گفت: ازدواج زودرس همچنان یکی از واقعیت‌های موجود در جامعه ایران است، اگرچه میزان آن نسبتاً محدود است. در مورد ازدواج زودرس با یک مشکل مهم نیز مواجه هستیم و آن نبود آمار دقیق است؛ زیرا بخشی از این ازدواج‌ها اساساً ثبت نمی‌شوند و همین موضوع ارزیابی دقیق آن را دشوار می‌کند.

وی در تشریح عوامل مؤثر بر این پدیده اظهار داشت: اقتدار والدین، توافق‌های خانوادگی، اعتیاد والدین، نگاه مردسالارانه‌ای که در برخی مناطق کشور وجود دارد، محدود شدن آزادی انتخاب افراد در ازدواج، فقر اقتصادی و فقر فرهنگی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که به ازدواج زودرس منجر می‌شوند.

دکتر مدیری با اشاره به پیامدهای این پدیده گفت: ازدواج زودرس دو پیامد بسیار مهم دارد که مهم‌ترین آن‌ها نارضایتی از ازدواج و ترک تحصیل است. در کنار این موارد، پیامدهای دیگری نیز وجود دارد؛ از جمله طلاق، افسردگی، بیماری‌های جسمی و روانی، زایمان‌های زودرس، ناتوانی در تربیت فرزندان و همچنین بروز خشونت‌های جسمی و روانی.

وی با جمع‌بندی بخشی از مباحث خود اظهار کرد: در مجموع تصویری که از جامعه ایران مشاهده می‌کنیم، جامعه‌ای است که در آن عناصر سنتی، مدرن و پست‌مدرن به صورت همزمان حضور دارند. در بسیاری از جوامع، گذار از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی و سپس از جامعه صنعتی به جامعه پسا صنعتی به صورت مرحله‌ای اتفاق افتاده است، اما در جامعه ایران با وضعیتی مواجه هستیم که این مؤلفه‌های متفاوت به طور همزمان حضور دارند و همین موضوع شرایط خاصی را ایجاد کرده است.

◀ سیاست‌های ازدواج زمانی موفق خواهند بود که مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و نیازهای گروه‌های مختلف باشند

دکتر فاطمه مدیری در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به اقدامات سیاستی و قانونی انجام‌شده در حوزه ازدواج اظهار کرد: در پاسخ به تحولاتی که برخی از آن‌ها را نامطلوب دانستیم، طی دهه‌های گذشته قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی در کشور تدوین و اجرا شده است. اگر مجموعه قوانین، لوایح، سیاست‌ها و طرح‌های اجرایی را بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۴۰۰ اسناد و برنامه‌های متعددی در حوزه ازدواج و خانواده به تصویب رسیده است.

دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور ادامه داد: در این سیاست‌ها موضوعاتی همچون رفع موانع ازدواج، تسهیل اشتغال، کاهش مشکلات اقتصادی و حمایت از تشکیل خانواده مورد توجه قرار گرفته است. تقریباً در بسیاری از قوانین و برنامه‌های این دوره، موضوع اشتغال جوانان، رفع موانع اقتصادی و حمایت از ازدواج مطرح شده و بارها تکرار شده است.

دکتر مدیری با اشاره به نتایج اجرای این سیاست‌ها گفت: با وجود حجم بالای سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در این حوزه تصویب شده‌اند، به نظر می‌رسد این سیاست‌ها توفیق چندانی نداشته‌اند. این پرسش مطرح می‌شود که چرا با وجود تدوین قوانین و برنامه‌های متعدد، نتایج مورد انتظار به دست نیامده است؟

این پژوهشگر حوزه خانواده در پاسخ به این پرسش اظهار داشت: به نظر می‌رسد بخشی از مسئله به این موضوع بازمی‌گردد که بسیاری از این سیاست‌ها حاوی پیام‌های بسیار کلی هستند. همان‌طور که در مباحث قبلی نیز مطرح شد، در بسیاری از سیاست‌ها تفاوت گروه‌های مختلف اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که زنان، مردان، گروه‌های مختلف اجتماعی و طبقات متفاوت نیازها و مسائل خاص خود را دارند.

دکتر مدیری تأکید کرد: زنان باید به صورت مستقل و ویژه در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرند؛ زیرا یکی از موتورهای محرک تغییرات اجتماعی هستند. لازم است خواسته‌ها، مطالبات و نیازهای زنان به طور دقیق مورد شناسایی قرار گیرد و در سیاست‌های عمومی بازتاب پیدا کند. همچنین باید بررسی شود که سیاست‌ها و قوانینی که تدوین می‌شوند تا چه اندازه مورد پذیرش افراد جامعه قرار می‌گیرند.

دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور اظهار کرد: ممکن است برنامه‌ها و سیاست‌های متعددی تدوین شوند، اما اگر شهروندان با آن‌ها موافق نباشند یا احساس نکنند که پاسخگوی نیازهایشان است، طبیعتاً آن سیاست‌ها موفق نخواهند بود. بنابراین باید بررسی شود که سیاست‌های موجود تا چه اندازه با نیازها و نگرش‌های مردم همخوانی دارند. موضوع دیگری که اهمیت دارد، مشخص بودن متولیان اجرای سیاست‌هاست. همچنین باید دید همکاری‌های بین‌نهادی تا چه اندازه شکل می‌گیرد و آیا دستگاه‌های مختلف در اجرای سیاست‌ها با یکدیگر هماهنگ هستند یا خیر.

وی تأکید کرد: سیاست‌ها زمانی اثربخش خواهند بود که از سطح کلیات خارج شوند و به برنامه‌های اجرایی مشخص تبدیل شوند. علاوه بر اجرا، ارزیابی سیاست‌ها نیز اهمیت زیادی دارد. باید مشخص شود که سیاست‌های اجراشده چه نتایجی داشته‌اند و تا چه اندازه به اهداف مورد نظر نزدیک شده‌اند. همه این موضوعات از جمله مواردی هستند که هنگام بررسی سیاست‌های حوزه ازدواج و خانواده باید مورد توجه قرار گیرند. وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: موضوع مهم دیگری که باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد این است که جامعه ایران را باید در بستر جامعه جهانی تحلیل کنیم. نباید خود را به عنوان جامعه‌ای منزوی و منفعل در نظر بگیریم. بسیاری از پدیده‌های اجتماعی در تعامل با روندهای جهانی شکل می‌گیرند و تحلیل آن‌ها نیز باید در همین چارچوب انجام شود.

این عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با اشاره به برخی شاخص‌های بین‌المللی گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان ازدواج خام در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر، حتی برخی کشورهای اسلامی مانند عراق و اندونزی، در وضعیت بالاتری قرار دارد. این موضوع می‌تواند نشانه‌ای امیدوارکننده باشد و نشان دهد که با وجود چالش‌های موجود، هنوز نهاد ازدواج در جامعه ایران جایگاه مهمی دارد.

دکتر مدیری ادامه داد: همچنین در زمینه میانگین سن ازدواج زنان نیز وضعیت ایران در

مقایسه با برخی کشورها قابل قبول ارزیابی می‌شود. پذیرفتن اینکه بخشی از تغییراتی که در جامعه ایران مشاهده می‌کنیم در سطح جهانی نیز در حال وقوع است، می‌تواند به ما در تحلیل واقع‌بینانه‌تر شرایط کمک کند.

دکتر مدیری با تأکید بر اهمیت شناخت عوامل مؤثر بر تحولات ازدواج گفت: در سیاست‌گذاری، شناخت علل شکل‌گیری پدیده‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد. سیاست‌ها باید بر اساس علل طراحی شوند، نه صرفاً بر اساس پیامدها. همان‌طور که مشاهده کردیم، در تحولات حوزه ازدواج عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همگی نقش دارند. بنابراین سیاست‌گذاری نیز باید چندبعدی باشد.

وی در ادامه به برخی راهکارهای پیشنهادی اشاره کرد و گفت: در حوزه اقتصادی نیازمند کاهش بیکاری، گسترش آموزش‌های مهارتی، حمایت اقتصادی از گروه‌های نیازمند و توسعه آموزش‌های کارآفرینی هستیم. در حوزه اجتماعی نیز باید به تقویت روابط دموکراتیک در خانواده توجه شود. امروز زنان خواسته‌ها و مطالبات مشخصی دارند و در برخی موارد حاضرند برای دستیابی به این مطالبات، حتی به سمت تجرد یا الگوهای جدید زندگی حرکت کنند. بنابراین این موضوع باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد. رسانه‌ها نیز باید نقش خود را در این زمینه ایفا کنند و در کنار آن به راهکارهای فرهنگی نیز نیاز داریم.

دانشیار گروه مطالعات خانواده مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور در پایان سخنان خود اظهار کرد: در حوزه فرهنگی باید سیاست‌ها و برنامه‌ها بر مبنای الگوهای مورد قبول جامعه و به ویژه الگوی ایرانی ـ اسلامی خانواده طراحی شوند. برای مواجهه با تحولات حوزه ازدواج و خانواده، نیازمند مجموعه‌ای از راهکارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستیم که به صورت همزمان و هماهنگ اجرا شوند.



دکتر زهرا شمس قهفرخی

تأخیر در ازدواج در اصفهان؛ پدیده‌ای چندوجهی در سایه تردید، ناکامی و امتناع آگاهانه

دکتر شمس قهفرخی با اشاره به نتایج پژوهشی درباره زنان و مردان هرگز ازدواج نکرده شهر اصفهان در قالب پژوهش رساله دکتری خود که در گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران انجام شده است، گفت بخش قابل توجهی از تأخیر در ازدواج ناشی از موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نمی‌توان آن را صرفاً به انتخاب فردی نسبت داد. به گفته وی، در حالی که بیش از نیمی از افراد همچنان قصد ازدواج دارند، عواملی مانند وضعیت اقتصادی، تحصیلات، فردگرایی، دینداری و هنجارهای اجتماعی مسیرهای متفاوتی از تردید، شکست در تحقق ازدواج و امتناع از ازدواج را شکل می‌دهند.

◀ افزایش سن ازدواج در اصفهان بازتابی از تحولات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است

دکتر شمس قهفرخی در ابتدای سخنان خود با اشاره به تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر گفت: در دهه‌های اخیر جامعه شاهد تحولات گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. نوسازی و صنعتی شدن، تغییر در سبک زندگی، افزایش سطح تحصیلات، گسترش شهرنشینی و تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های خانوادگی همگی باعث شده‌اند که میانگین سن در اولین ازدواج در کشور افزایش

پیدا کند. این پدیده یعنی تأخیر در ازدواج صرفاً یک مسئله فردی یا فرهنگی نیست، بلکه به دلیل پیامدهایی که در حوزه‌های جمعیت و باروری دارد، امروز به یکی از موضوعات مهم در سیاستگذاری‌های کلان کشور تبدیل شده است.

دکتر شمس قهفرخی با اشاره به وضعیت ازدواج در اصفهان اظهار کرد: طبق آمارهای رسمی، میانگین سن در اولین ازدواج در سال ۱۴۰۰ در شهرستان اصفهان برای مردان ۲۸.۶ و برای زنان ۲۴.۶ سال بوده که از میانگین کشوری، یعنی ۲۸ سال برای مردان و ۲۳.۶ سال برای زنان، بیشتر است. برای مثال میانگین سن ازدواج مردان در اصفهان از ۲۷.۲ سال در سال ۱۳۹۰ به ۲۸.۲ سال در سال ۱۳۹۵ افزایش پیدا کرده و برای زنان نیز از ۲۳.۱ به ۲۳.۳ سال رسیده است.

این پژوهشگر جمعیت‌شناسی تأکید کرد: استان اصفهان به همراه چند استان دیگر از جمله سمنان، البرز، کهگیلویه و بویراحمد و تهران در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ روند افزایشی میانگین سن ازدواج را تجربه کرده‌اند. وی با بیان اینکه تمرکز صرف بر سن ازدواج کافی نیست، گفت: ما باید به مسیرهای تأخیر ازدواج نیز توجه کنیم.

◀ برای فهم تأخیر در ازدواج باید مسیرهای متفاوت زندگی مجردان را مورد توجه قرار داد

دکتر شمس قهفرخی درباره اهمیت پژوهش خود اظهار داشت: ازدواج نه تنها بنیان خانواده را تشکیل می‌دهد، بلکه بر ساختارهای جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی جوامع نیز تأثیر دارد. امروزه ازدواج به چالش اصلی جامعه ایرانی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از جوانان به دلایل مختلف از ازدواج فاصله می‌گیرند و ازدواج از یک پدیده شخصی به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده است. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که ازدواج در سنین بالاتر می‌تواند پیامدهایی مانند کاهش باروری و تغییر در الگوی زاد و ولد را به همراه داشته باشد.

دکتر شمس قهفرخی در تشریح مدل تحقیق خود گفت: عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، فردگرایی، گرایش‌های مذهبی، هنجارهای اجتماعی، پیشینه خانوادگی و برابری جنسیتی در خانواده بر قصد ازدواج تأثیر می‌گذارند و هر فرد بنا به قصد خود نسبت به ازدواج در یکی از مسیرهای امتناع از ازدواج، شکست در تحقق ازدواج یا بدون برنامه‌ریزی به سمت مجردی رفتن قرار می‌گیرد.

وی درباره جامعه آماری پژوهش توضیح داد: جمعیت آماری شامل زنان ۲۵ تا ۴۹ ساله

و مردان ۳۰ تا ۴۹ ساله هرگز ازدواج نکرده شهر اصفهان بود. حجم نمونه نیز ۶۰۰ نفر و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم بود. گروهی از افراد تمایل به ازدواج دارند اما هنوز موفق به تحقق آن نشده‌اند. این افراد با انتخاب گزینه «اگر امکانش باشد می‌خواهم ازدواج کنم» مشخص شده‌اند. این گروه در مسیر شکست در تحقق ازدواج قرار دارند. گزینه «ازدواج کردن یا نکردن برایم اهمیتی ندارد»، بیانگر افرادی است که در وضعیت تردید یا بی‌تفاوتی نسبت به ازدواج قرار دارند. گزینه «نمی‌خواهم اصلاً ازدواج کنم» نیز به افرادی اشاره دارد که به صورت آگاهانه و قطعی از ازدواج امتناع می‌کنند.

◀ با وجود افزایش سن ازدواج، اکثریت افراد همچنان تمایل خود را برای ازدواج حفظ کرده‌اند

وی درباره نتایج پژوهش اظهار کرد: حدود ۵۷.۳ درصد افراد اظهار داشتند که قطعاً ازدواج می‌کنند، در حالی که ۲۷.۸ درصد گفته بودند ازدواج کردن یا نکردن برایشان تفاوتی ندارد و ۱۴.۳ درصد نیز اعلام کردند که اصلاً قصد ازدواج ندارند. فقط ۵ درصد در گروه سایر قرار گرفتند که دلیل مشخصی برای انتخاب این گزینه ارائه نکرده بودند.

◀ وضعیت اقتصادی و سطح تحصیلات نقش مهمی در شکل‌گیری مسیرهای متفاوت تأخیر در ازدواج دارند

دکتر شمس قهفرخی با اشاره به یافته‌های تحقیق گفت: امتناع از ازدواج در میان زنانی که وضعیت اقتصادی اجتماعی بالاتری دارند بیشتر است. زنان با وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین عمده‌تاً تجربه شکست یا عدم تحقق ازدواج را داشته‌اند. در میان مردان نیز همین الگو مشاهده شد؛ افراد دارای وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین بیشتر شکست در تحقق ازدواج را تجربه کرده بودند و کسانی که وضعیت اقتصادی بالاتری داشتند بیشتر امتناع از ازدواج را انتخاب می‌کردند.

این پژوهشگر حوزه ازدواج اظهار داشت: مردانی که تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا داشتند بیشتر امتناع از ازدواج را تجربه می‌کردند. در مقابل، زنان در تمامی طبقات تحصیلی بیشتر تجربه شکست در تحقق ازدواج را داشتند. افرادی که والدین تحصیل کرده داشتند بیشتر در مسیر تردید نسبت به ازدواج قرار می‌گرفتند. دکتر شمس قهفرخی با اشاره به یکی دیگر از یافته‌های پژوهش گفت: فرزندان که

والدینشان خویشاوند بودند، بیشتر تجربه شکست در تحقق ازدواج داشتند. رشد در خانواده‌های سنتی با الگوهای ازدواج خویشاوندی می‌تواند فشارها و انتظارات اجتماعی برای ازدواج را افزایش دهد و در نتیجه منجر به شکست در تحقق ازدواج شود.

◀ فردگرایی احتمال امتناع از ازدواج را افزایش می‌دهد و دینداری آن را کاهش می‌دهد

وی درباره نقش فردگرایی اظهار کرد: افرادی که فردگراتر بودند بیشتر امتناع از ازدواج داشتند. میانگین نمره فردگرایی مردان در تمامی مسیرهای تأخیر ازدواج بالاتر از زنان بود و مردانی که امتناع از ازدواج داشتند بالاترین میزان فردگرایی را داشتند. افرادی که گرایش دینی بالاتری داشتند بیشتر تجربه شکست در تحقق ازدواج را داشتند و این اثر در زنان برجسته‌تر بود. در مسیر امتناع از ازدواج، کسانی که گرایش‌های دینی کمتری داشتند بیشتر مشاهده شدند. افرادی که از هنجارهای اجتماعی بیشتر پیروی می‌کردند عمدتاً تجربه شکست در تحقق ازدواج را داشتند، در حالی که در مسیر امتناع از ازدواج پذیرش کمتری نسبت به هنجارهای اجتماعی دیده شد. این پژوهشگر جمعیت‌شناسی گفت: افرادی که برابری جنسیتی بالاتری را در خانواده تجربه کرده بودند بیشتر در مسیر تردید نسبت به ازدواج قرار می‌گرفتند؛ زیرا آزادی تصمیم‌گیری و استقلال بیشتری داشتند و خانواده‌هایشان امکان بیشتری برای دستیابی به اهداف شخصی در اختیار آنان قرار می‌داد.

◀ تأخیر ازدواج موجب بروز پیامدهای اجتماعی و جمعیتی مختلف می‌شود

دکتر شمس قهفرخی در جمع‌بندی نتایج پژوهش اظهار داشت: الگوی ازدواج در جهان دستخوش تغییرات چشمگیری شده است و تأخیر در ازدواج به دو شکل بروز می‌کند؛ تأخیر انتخابی که ناشی از ترجیح فرد برای استقلال مالی و عاطفی است و تأخیر اجتناب‌ناپذیر که ناشی از شرایط مادی، اجتماعی و فردی است. این تأخیرها از لحاظ جمعیتی و اجتماعی اثرگذار هستند و می‌توانند پیامدهایی مانند کاهش باروری، تضعیف پیوندهای خانوادگی، افزایش روابط غیررسمی و کاهش ثبات اجتماعی را به همراه داشته باشند.

او در پایان خاطرنشان کرد: افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر در مسیر تردید و امتناع

از ازدواج قرار می‌گیرند، در حالی که افزایش فردگرایی نیز با افزایش احتمال امتناع از ازدواج همراه است و دینداری این احتمال را کاهش می‌دهد.

